

سندهای تاریخی یک تجربه‌ی موفق: دفاع اصولی از حق آزادی انجمن

تشخیص دیوان عدالت اداری به نفع کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران و مسئولان این کانون عالی، و در واقع، به نفع «حق آزادی انجمن» صادر شده‌اند.

اینکه با صدور چنین احکامی مسئولان وزارت کار و امور اجتماعی جز پذیرش حقانیت کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران چه می‌توانستند بکنند، پرسش مهمی است. با این همه، شواهد بسیاری حاکی از آن است که وزیر محترم کار و امور اجتماعی در دولت دهم، صرف نظر از صدور این احکام قطعی، رویکردش به «حق آزادی انجمن» با رویکرد همتای سلف خود بسیار متفاوت به نظر می‌رسد.

۳. سه سند آخر این مجموعه در مورد «نشست وفاق» حاکی از پایان یک دوره و شکل‌گیری یک دوره نوین است. خصوصیات این دوره چیست و چه عواملی سبب سرآوردن دوره‌ی جدید شده است؟ این‌ها پرسش‌هایی هستند که پاسخ آن‌ها در شماره‌های آتی «پیام کارفرمایان» بررسی خواهد شد. اما تا همین جا تأکید بر این نکته کاملاً ضروری است که روش «کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران» در دفاع از «حق آزادی انجمن»، به عنوان ضروری‌ترین و حیاتی‌ترین حقوق شهروندی، یک روش مبتنی بر «اصول» بوده است. اما این «اصول» چه هستند و چگونه استخراج شده و به عنوان اصول راهنما، جهت و روش مبارزه‌ی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران را تعیین کرده‌اند؟

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین هدف‌های انتشار این مجموعه اسناد، فراهم ساختن این امکان برای اندیشمندان و صاحب‌نظران فعال در عرصه‌ی حقوق شهروندی است تا با مطالعه‌ی آن‌ها این «اصول» را استخراج و ترویج و تشویق کنند. اصولی که به چند نمونه از آن‌ها می‌توان به صورت گذرا اشاره کرد:

- الف: اصل اولویت دادن به منافع ملی
- ب: اصل پابندی خدشه‌ناپذیر به قانون
- پ: اصل پابندی به ارزش‌های اخلاقی
- ت: اصل جمع‌گرایی و پرهیز از تک روی
- ث: اصل آگاه‌سازی و تثبیت دستاوردها، و ...

در پایان این مقدمه از تمام تشکلهای کارگری و کارفرمایی و تمام سازمان‌های فعال در جامعه‌ی مدنی انتظار می‌رود در نهادهای سازشی این روش نوین و اصولی در دفاع از حقوق شهروندی از هیچ کوششی دریغ نورزند.

از روز پنجشنبه ۱۱ آبان ماه ۱۳۸۵ که مدیرکل وقت سازمان‌های کارگری و کارفرمایی وزارت کار و امور اجتماعی دولت نهم در نامه‌ای خطاب به «کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران» این کانون عالی را منحل اعلام کرد و هرگونه فعالیت تحت این عنوان را «خلاف قانون و قابل پیگیری» دانست، تا روز چهارشنبه ۲۵ فروردین ماه ۱۳۸۹ که «نشست وفاق» با حضور وزیر کار و امور اجتماعی دولت دهم و با حضور نمایندگان همان کانون عالی منحل به‌رأی رایزنی در مورد اعزام نمایندگان به کنفرانس بین‌المللی کار برگزار شد، تجربه‌ی موفق در دفاع از «حق آزادی انجمن» در ایران شکل گرفت که از هر نظر قابل بررسی، تحلیل و الگوبرداری است. دست‌اندرکاران این تجربه که از ابتداء به اهمیت تاریخی تلاش خود آگاهی داشتند، از هیچ کوششی برای مستندسازی این تجربه دریغ نورزیدند: هفده شماره‌ی نشریه‌ی «پیام کارفرمایان» (از شماره‌ی ۴ تا همین شماره)، که در «شبکه اطلاع‌رسانی کارفرمایان ایران» [شاکا] نیز منتشر شده‌اند، جزئیات شکل‌گیری این تجربه‌ی تاریخی را ثبت و تحلیل کرده‌اند. با این همه، این شماره‌ی «پیام کارفرمایان» به آرایه‌ی مجموعه‌ی ۲۱ سند از این تجربه‌ی تاریخی در یک بسته‌ی مستقل اختصاص یافته است که می‌توان آن‌ها را در سه دسته‌ی کلی طبقه‌بندی کرد:

۱. سند‌های سیاسی؛ شامل مجموعه‌ی مکاتبات برخی از مسئولان وقت وزارت کار و امور اجتماعی در دولت نهم با مراجع گوناگون است که موضوع مشترک آن‌ها اعلام انحلال کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران و خط و نشان کشیدن برای مسئولان کانون عالی است. از آنجا که این انحلال از سوی دولت اعلام شده، این اسناد بیشتر سیاسی هستند تا حقوقی. این مکاتبات دستمایه‌های مناسبی در اختیار مورخان و تحلیلگران قرار می‌دهند تا جنبه‌های تاریخی، فرهنگی، سیاسی، جامعه‌شناختی و روانشناختی رویکردی را ژرفکافی کنند که «حق آزادی انجمن» را برنمی‌تابد.

۲. سند‌های حقوقی؛ مجموعه‌ی احکام و آرای دادگاه‌هایی هستند که به شکایات مرتبط با انحلال کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران رسیدگی کرده‌اند. یکی از این شکایات علیه رئیس وقت هیأت مدیره‌ی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران به اتهام جعل عنوان، نشر اکاذیب و تشویش افکار عمومی در دادگاه مطرح شده است. یکی دیگر از شکایات علیه مدیرمسئول نشریه «پیام کارفرمایان» به همین اتهام در دادگاه مورد رسیدگی قرار گرفته است. اما نکته‌ی جالب این است که رأی نهایی تمام این دادگاه‌ها و نیز رأی شعبه‌ی

پیش در آمد: قلع و قمع

می‌بینید که این ماده با صراحت اعلام می‌کند که اگر اداره‌ی کل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی فعالیت یک انجمن صنفی یا یکی از اعضاء هیأت مدیره را مغایر با قوانین و مقررات تشخیص دهد باید مراتب را جهت اخذ تصمیم به هیأت حل اختلاف یا دادگاه صالح ارجاع کند. آیا می‌شد این مفاهیم را از این صریح‌تر بیان کرد؟ حالا، این ماده را با برداشت مدیرکل وقت سازمان‌های کارگری و کارفرمایی از همین ماده مقایسه فرمایید که با صراحت ادعا می‌کند:

«بدیهی است که تعیین وضعیت کانون عالی کارفرمایی به استناد ماده ۱۹ آئین‌نامه‌ی فوق‌الذکر [...] با اداره کل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی بوده و از تاریخ ۱۳ آبان ماه ۸۵ به بعد هرگونه فعالیت تحت عنوان کانون عالی کارفرمایی ایران خلاف قانون و قابل پیگیری می‌باشد» (!).

می‌بینید که با چه اطمینان خاطری معنای صریح یک ماده‌ی قانونی را کاملاً وارونه می‌سازد و به استناد این تفسیر دلبخواهی هرگونه فعالیت تنها کانون عالی شکل‌های کارفرمایی ایران را خلاف قانون و قابل پیگیری اعلام می‌کند.

پیش از ادامه‌ی بحث و نشان دادن جنبه‌های دیگری از قلع و قمع کانون عالی کارفرمایی به دست یک مدیرکل، تذکر این نکته برای رفع هرگونه تردید احتمالی ضروری است که «بند ۴ بخشنامه‌ی شماره ۵۹۵۵۵ مورخ ۷۲/۴/۳۰ وزیر وقت کار و امور اجتماعی»، که مدیرکل در نامه‌ی خود به آن استناد کرده، هیچ ارتباطی به موضوع ما نحن فیه ندارد. در آن بند خاطر نشان شده است که «در خصوص تعیین ماهیت صنعتی یا حرفه‌ای انجمن‌های صنفی و سایر موارد ابهام، نظرات اداره کل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی رعایت شود».

تا همینجا و با تأمل در همین نخستین نامه‌ی مدیرکل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی می‌توان عمده‌ترین خصوصیات اجتماعی رویکرد جریانی را که به کانون‌های مستقل از دولت اعتقادی ندارد، دریافت. با این همه بیشتر اسنادی که در این بخش از این جزوه ارائه شده‌اند (اسناد شماره‌های دو تا هشت) هر کدام به نحوی جنبه‌های گوناگونی از این رویکرد را به نمایش می‌گذارند.

در سند شماره‌ی دو، مدیرکل وقت سازمان‌های کارگری و کارفرمایی در نامه‌ای خطاب به رئیس هیأت مدیره‌ی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، وی را تهدید می‌کند که مکاتبه تحت «رئیس هیأت مدیره» از مصادیق جعل عنوان بوده و حق پیگیری بزه ارتكابی برای این اداره کل از طریق مراجع قضایی محفوظ خواهد بود.

در سند شماره‌ی سه، همان مدیرکل در نامه‌ای علنی خطاب به هیأت مدیره‌ی کانون‌ها و انجمن‌های صنفی کارفرمایی (یعنی خطاب به چندین هزار شخصیت حقوقی و حقیقی) همان اتهام‌ها را به نحو دیگری مطرح می‌کند. در سند‌های شماره‌ی چهار، پنج، شش و هفت که از سوی مدیرکل وقت سازمان‌های کارگری و کارفرمایی به مراجع گوناگون نوشته شده، بر انحلال کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران تأکید شده و در برخی از آن‌ها با صراحت از کانون عالی موازی حمایت شده است. در حالیکه هر نوآموز رشته‌ی حقوق می‌داند، حتی اگر «دادگاه صالح» به انحلال کانون عالی رأی هم داده بود، روند پیچیده‌ی انحلال یک شخصیت حقوقی مدت‌ها طول می‌کشد و در تمام این مدت هیأت مدیره و رئیس آن مسئولیت‌هایی بر عهده خواهند داشت. این در حالی است که مراجع قوه‌ی قضائیه سرانجام آرای خود را علیه اقدام مدیرکل صادر کردند، ضمن آنکه در همان زمان تقریباً تمام شکل‌های کارفرمایی سراسری نیز با صدور بیانیهای (سند شماره هشت) به دفاع از حقانیت کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران پرداختند.

نامه‌ی مدیرکل وقت سازمان‌های کارگری و کارفرمایی وزارت کار و امور اجتماعی مبنی بر اعلام انحلال کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران (سند شماره یک)، هرچند به عنوان نخستین سند در این مجموعه ارایه شده، اما لزوماً نخستین برخورد حذفی مسؤولان وقت آن وزارتخانه با شکل‌های کارگری و کارفرمایی مستقل نیست. با این همه، حتی در همین نامه‌ی کوتاه نیز به مسائلی اشاره شده که درک آن‌ها مستلزم آشنایی با حوادثی است که از همان برخوردهای حذفی ناشی شدند. برای آن دسته از خوانندگانی که چالش تاریخی بر سر «حق آزادی انجمن» را دنبال نکرده‌باشند، اشاره به آن حوادث برای درک بهتر این اسناد ضروری است.

طبق اساسنامه‌ی آن روز کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، دوره‌ی مسئولیت هیأت مدیره سه سال بود و بند ۲ ماده ۴۲ اساسنامه تصریح می‌کرد که «پس از گذشت شش ماه از تاریخ خاتمه اعتبار هیأت مدیره و عدم انتخاب هیأت مدیره جدید»، کانون عالی منحل می‌گردد.

بدیهی است که مسؤولان وقت کانون عالی کارفرمایی با مفاد اساسنامه‌ی تشکیل تحت مدیریت خود آشنا باشند و تمام تلاش‌ها را برای برگزاری مجمع، پیش از خاتمه‌ی زمان پیش‌بینی شده، به کار ببندند. با این همه، مجموعه‌ای از مداخله‌های غیرمتعارف مسؤولان وقت اداره‌ی کل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی وزارت کار و امور اجتماعی (که جزئیات آن‌ها در نشریه‌های «پیام کارفرمایان» تشریح شده) سبب شد که این مجمع، شامگاه روز چهارشنبه ۱۰ آبان ماه ۱۳۸۵، یعنی فقط سه روز مانده به ختم دوره‌ی قانونی هیأت مدیره، برگزار شود. اما برگزاری این مجمع نیز با تداوم مداخله‌های غیرمتعارف مسؤولان همان اداره‌ی کل به تشنج کشیده شد. در نتیجه، مجمع عمومی با اکثریت آراء هیأت مدیره را برای مدت شش ماه ابقاء کرد تا در یک فضای آرام انتخابات جدید را برگزار کند. آیا «مجمع عمومی»، به عنوان رکن اصلی تصمیم‌گیری در هر سازمان انتخابی، کاری خلاف اساسنامه انجام داده بود؟

متأسفانه شواهد غیرقابل انکاری که در همین اسناد نیز قابل مشاهده هستند، و در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد، تردیدی برجا نمی‌گذارد که دغدغه‌ی مسؤولان وقت وزارت کار و امور اجتماعی رعایت اساسنامه از سوی هیأت مدیره‌ی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران نبوده است. تحلیل انگیزه‌های واقعی آنان از غرق کردن این کانون عالی و کمک به تأسیس یک کانون عالی موازی و ثبت آن در وزارت کار و امور اجتماعی با همان شماره‌ی ثبت کانون اصلی، بحث را به خارج از قلمرو «حقوق» می‌کشاند. با این همه، می‌توان فرض کرد که انگیزه‌ی واقعی مسؤولان وقت آن وزارتخانه دفاع خدشه‌ناپذیر از رعایت قانون بوده باشد. در آن صورت، برای کسانی که از مجموعه‌ی حجیم قوانین مرتبط با فعالیت انجمن‌ها در ایران آشنا نیستند، لازم است دست کم و در ابتداء این سفر حقوقی به بطن یک چالش تاریخی، با ماده‌ی ۱۹ آئین‌نامه «چگونگی تشکیل و ... انجمن‌های صنفی» که مورد استناد مدیرکل وقت سازمان‌های کارگری و کارفرمایی قرار گرفته آشنا شوند تا دریابند سومین هیأت مدیره‌ی کانون عالی کارفرمایی با چه کسانی مواجه بوده‌اند. این ماده می‌گوید:

«ثبت شکل‌های صنفی موضوع این آئین‌نامه و نظارت بر انتخابات و فعالیت‌های آن‌ها به عهده‌ی وزارت کار و امور اجتماعی است. در صورتی که اداره کل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی در وزارتخانه یاد شده، فعالیت انجمن صنفی یا یکی از اعضاء هیأت مدیره‌ی آن را مغایر با قوانین و مقررات تشخیص دهد مراتب را جهت اخذ تصمیم، حسب مورد، به هیأت حل اختلاف یا دادگاه صالح ارجاع می‌کند».

بسمتعالی

(۱)

جمهوری اسلامی ایران
وزارت کار و امور اجتماعی

شماره: ۹۷۷۰۰

تاریخ: ۱۳۸۵/۸/۱۱

پیوست: ندارد

کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران

باسلام

با صلوات بر محمد و آل محمد (ص)، نظر به عدم حصول نتیجه از مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۸۵/۷/۱۰ آن کانون و پایان مهلت ششماهه مندرج در تبصره ۳ ماده ۱۱ آئین نامه چگونگی تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمنهای صنفی و کانونهای مربوطه مصوب ۷۱/۱۱/۱۴ هیات محترم وزیران، به اطلاع می رساند:

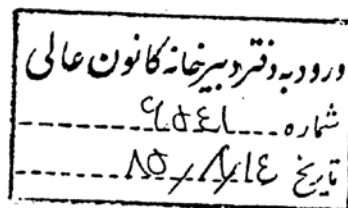
با استناد به بند ۲ ماده ۴۲ اساسنامه آن کانون، در صورت عدم انتخاب هیات مدیره جدید تا تاریخ ۸۵/۸/۱۳، آن کانون از حیث اعتبار ساقط و منحل می گردد.

بدیهی است که تعیین وضعیت کانون عالی کارفرمایی به استناد ماده ۱۹ آئین نامه فوق الذکر و بند ۴ بخشنامه شماره ۵۹۵۵۵ مورخ ۷۲/۳/۳۰ وزیر وقت کار و امور اجتماعی، با اداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی بوده و از تاریخ ۸۵/۸/۱۳ به بعد هرگونه فعالیت تحت عنوان کانون عالی کارفرمایی ایران خلاف قانون و قابل پیگیری می باشد.

نبی ا... بابائی نژاد

مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی

۱۳۸۵/۸/۱۱



1713: Nbl. 85.8

هران - خیابان آزادی - نبش خیابان بهبودی - وزارت کار و امور اجتماعی - کد پستی: ۱۴۵۷۹۹۴۸۶۱ - تلفن: ۹ - ۶۶۹۳۰۰۳۱
Website: www.irimlsa.ir Email: info@irimlsa.ir ۶۶۴۴۹۱

بسمه تعالی

﴿۱﴾

جمهوری اسلامی ایران
وزارت کار و رفاه اجتماعی

شماره:
تاریخ:
پیوست:

مهندس محمد عطار دبان

باسلام

السلامم محصل تعلی محمد و آل محمد بر محصل فخر جبهه . احتراماً پیرو نامه های
شماره ۹۶۷۰۰ مورخ ۱۳۸۵/۸/۱۱ و ۱۰۸۰۲۸ مورخ ۸۵/۹/۶ استفاده از عناوین مجعول
تحت عنوان: « رئیس هیات مدیره کانون عالی کارفرمایی » در اظهارات . مصاحبه ها و
مکاتبات از محضاد بق جعل عنوان بوده و حق پیگیری بزه ارتکاب برای این اداره کل از
طریق مراجع قضائی محفوظ خواهد بود .

نبی بابائی نژاد

مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی

۱۱۸۰۳۶

۱۳۸۵ / ۹ / ۲۸

بسم تعالی

شماره: ۱۱۸۰۳۸
تاریخ: ۱۳۸۵ / ۹ / ۲۸
پست:

هیئت مدیره های کانون ها و انجمن های صنفی کارفرمایی

باسلام

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم ،
احتراماً پیرو اطلاعیه صادر شده مجعول توسط فردی بنام
« محمد عطارنیا » تحت عنوان « رئیس هیئت مدیره کانون عالی
کارفرمایی ایران » به اطلاع می رساند اینگونه مکاتبات از نظر این
اتحادیه کل غیر قانونی می باشد ، ضمناً تشعار می دلد
« محمد عطارنیا » فاقد عضویت در انجمن های صنفی کارفرمایی
بوده و مکاتبات نامبرده فاقد وجاهت و اعتبار است .

نبی ا... بابائی نژاد

مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی

۱۳۸۵/۹/۲۸

ورود به دفتر دبیرخانه کانون عالی
شماره ۲۶۸۱
تاریخ ۸۵/۹/۲۸



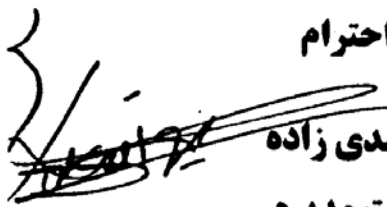
تاریخ: ۸۷/۷/۱۵
شماره: ۹۷۷۳-۳۱۰
پیوست:

جناب آقای نبی ا... بابائی نژاد
مدیرکل محترم سازمان های کارگری و کارفرمایی
وزارت کار و امور اجتماعی
موضوع: دعوت به نظارت بر مجمع عمومی

پس از سلام،

پیرو نامه شماره ۳۱۰-۹۶۷۴ مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۲ و عطف به آگهی روزنامه اطلاعات مورخ ۸۷/۶/۱۱ درخصوص فراخوان اعضای به شرکت در مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این کانون عالی که از ساعت ۱۶ روز چهارشنبه ۱۳۸۷/۷/۲۴ در محل سالن همایش های انجمن شرکت های ساختمانی واقع در خیابان طالقانی، خیابان شهید، برادران مظفر (صبای جنوبی) شماره ۸۸ برگزار خواهد شد، بدینوسیله از آن مدیریت محترم درخواست می گردد تا طبق ماده ۱۹ "انین نامه چگونگی تشکیل، حدود وظائف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمن های صنفی و کانون های مربوط،" نماینده خود را جهت نظارت بر روند امور مجمع عمومی فوق و انجام انتخابات مربوط، اعزام نمایند.

با تقدیم احترام


حسین احمدی زاده
رئیس هیئت مدیره



خیابان حافظ، خیابان رودسر، شماره ۲۹، طبقه دوم، کدپستی: ۱۵۹۳۶-۷۹۴۱۵، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۳۶۴۶
تلفن: ۵۱۲ و ۸۸۹۴۰۲۱۱ فکس: ۸۸۹۴۴۵۶۴ پست الکترونیکی: info@icea.ir نشانی اینترنتی: www.icea.ir

بسم تعالی

شماره: ۸۲۰۴۶
تاریخ: ۱۳۸۲/۸/۱۹
پیوست:

آقای حسین احمدزاده

خ حافظ، خ رودسر، شماره ۲۹، ط دوم

باسلام

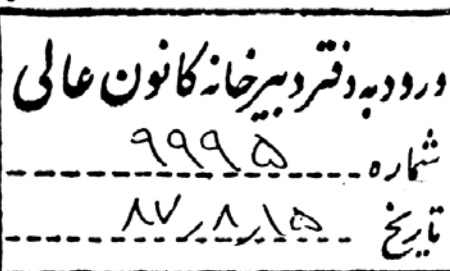
بازگشت به نامه شماره ۳۱۰-۹۷۷۳ مورخ ۸۷/۷/۱۵ کانون
تحت عنوان مطروحه در این اداره کل، اعتبارنامه ندارد و
امضاء ذیل نامه ناشناخته می باشد - لذا نامه عودت می شود.

نبی ا... بابائی نژاد

مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی



۱۳۸۲/۸/۱۹



WT3:NA.87.8

شماره :
تاریخ :
پوست :

جمهوری اسلامی ایران
وزارت کار و امور اجتماعی

جناب آقای مهندس نظری جلالتی
معاون محترم روابط کار



سلام علیکم

احتراماً درخصوص نخستین مسابقه ملی ایمنی در کارگاههای ساختمانی «پروشور پیوسته» نکاتی به آگاهی می رسانم.

- ۱- کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی با استفاده به متن صریح اساسنامه و حکم دیوان عدالت اداری منحل شده محسوب می گردد.
- ۲- برخی عناصر این کانون همچنان بطور غیر قانونی خود را بهر کل و مشروعیت این کانون را قانونی قلمداد کرده و از هرگونه روشهای نامطلوب برای تکمیل خود بر نقش کارفرمایی استفاده می نمایند به گونه ای که در تبلیغات خود در انسان و انکار مخاطبین ، اقدامات مذکور را قانونی جلوه دهند. از جمله سفارشات های صورتی در برخی همایش با درج عناوین مجعول در کنار دستگاهها دولتی
- ۳- متأسفانه در پروشور تبلیغاتی این همایش (پیوسته) مشاهده می شود در ذیل آرم و نماد وزارت کار و روابط کار ، نام کانون اسابق کارفرمایی و در صفحه ۴ آن در تریب شورای راهبردی نام محمد طاریدیان با سمت مجعول در کنار نام و مشخصات دو مدیر کل این وزارتخانه (مدیر کل محترم بازرسی کار و رئیس مرکز تحقیقات) درج شده است.
- ۴- بدیهی است اینگونه اقدامات علاوه بر اینکه زمینه های نفوذ در تشکلات کارفرمایی را تقویت می نماید بلکه فساد قانونی بودن کانون منحل را افزایش می دهد و این همان هدفی است اخلال گران و انحصار گران در کانون موصوف منهای می نمایند.
- ۵- مناسب است در صورتی که معاونت روابط کار در این همایش نقش مستقیم داشته است از این عمل برائت جسته و اقدامات پیشنهادی صورت گیرد.

فبی ا... با بانی فرا

معاون امور کار و امور اجتماعی

رونوشت :

جناب آقای خلیلی دبیر کانون عالی کارفرمایان ایران جهت آگاهی و اقدام لازم

۸

تهران - خیابان آزادی - پست شماره ۱۳۵۷۹۴۸۵۶ - تلفن : ۶۶۹۳۰۰۳۱، ۶۶۹۳۰۰۳۲
۵۸۳۳۹۱

بسم تعالی

شماره: ۸۶۶۶۱

تاریخ: ۱۳۸۷/۸/۲۰

پیوست:



جمهوری اسلامی ایران
وزارت کار و امور اجتماعی

جناب آقای دکتر امیر حسین خلوتی

دبیر محترم همایش ملی ایمنی در کارگاههای ساختمانی

آدرس: خ سهروردی شمالی - خیابان باغ پلاک ۱۲ - تلفنکس ۸۸۵۲۵۶۳۳ - ۸۸۵۲۱۳۷۵

سلام علیکم

احتراماً بازگشت بنامه شماره ۸۷/۳۶۵ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۳ به آگاهی می رساند:

- ۱- مرجع اصلی ثبت و صدور اعتبار نامه و مجوز فعالیت برای تشکل های کارفرمایی وزارت کار و امور اجتماعی است.
- ۲- در حال حاضر کانون عالی کارفرمایان نماینده رسمی و قانونی تشکلهای کارفرمایی سراسر کشور می باشد.
- ۳- در بروشورهای تبلیغاتی همایش مذکور تشکلی تحت عنوان کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی درج شده است. این کانون فاقد اعتبار نامه قانونی و مجوز فعالیت از وزارت کار و امور اجتماعی و استفاده از عنوان مجعول توسط فردی بنام محمد عطاردیان فاقد وجاهت قانونی می باشد.
- ۴- با عنایت به اینه اداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی حافظ منافع تشکل های صنفی کارگری و کارفرمایی که بطور قانونی ثبت شده اند می باشد لذا پیگرد حقوقی و قانونی جهت استیفای حقوق تشکل های قانونی را محفوظ می داند.

نبی ا... بابائی نژاد

مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی

۱۳۸۷/۸/۲۰



دیر خانه شورای هماهنگی کارفرمایان کشور

تاریخ ۱۳۸۵/۹/۲۹
شماره ۶۶۸۵۰۰۰
نوبت

کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران

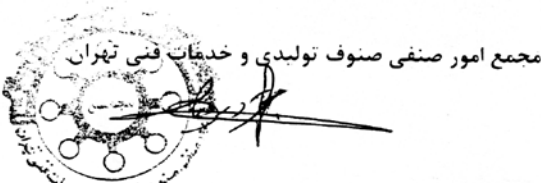
بیانیه شورای هماهنگی کارفرمایان کشور
در مورد تأسیس کانون کارفرمایی موازی
۲۸ آذر ماه ۱۳۸۵

کارفرمایان گرامی ، هموطنان عزیز

اعضاء شورای هماهنگی کارفرمایان کشور در هفتمین نشست خود در تاریخ ۲۸ آذر ماه ۱۳۸۵ ، عوامل بروز مشکلات در جریان برگزاری مجمع عمومی کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران را مورد بررسی قرار دادند و با توجه به توضیحات و مستندات ارائه شده از سوی مسئولان کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران ، نکات زیر را به اطلاع عموم کارفرمایان کشور می رسانند :

۱. مسئولیت بروز مشکلات در جریان برگزاری مجمع عمومی کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران متوجه مسئولان این کانون عالی نبوده است؛ از همین رو ، تصمیم مجمع عمومی به ابقاء شش ماهه هیأت مدیره برای رفع عوامل بروز مشکلات و برگزاری انتخابات سالم و فراگیر ، تصمیمی منطقی و گریز ناپذیر بوده است .
۲. به رغم وجود پاره ای انتقادات به عملکرد هیئت مدیره دومین دوره فعالیت کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران ، دستاوردهای این کانون عالی در خور تقدیر است . از همین رو ، شورای هماهنگی کارفرمایان کشور مخالفت جدی خود را با هر تصمیمی مبنی بر انحلال کانون عالی کارفرمایی اعلام می دارند .
۳. اعضاء شورای هماهنگی کارفرمایان کشور ، تأسیس کانون جدیدی با عنوان « کانون عالی کارفرمایان ایران » را در راستای تأمین منافع کارفرمایان و تأمین منافع ملی نمی دانند و اعتقاد دارند ، تلاش برای اصلاح مشکلات کانون عالی موجود با استفاده از روش های دوستانه و دموکراتیک ، منافع ملی ما را بیشتر تأمین خواهد کرد .
۴. با توجه به نکات فوق ، از تمام کارفرمایان ایران انتظار داریم که ضمن نقادی عملکرد هیأت مدیره کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران ، از این کانون عالی ، قاطعانه حمایت کنند .

شورای مرکزی خانه های صنعت و معدن ایران



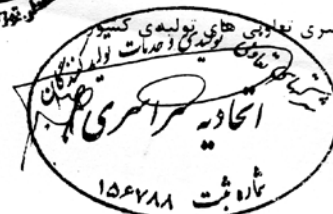
مجمع امور صنفی توزیعی و خدماتی تهران



کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران



کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران



رأی دیوان عدالت اداری: تثبیت حق آزادی انجمن در عرصه حقوقی

منطقی‌ترین واکنش به نامه‌ی مدیرکل وقت سازمان‌های کارگری و کارفرمایی وزارت کار و امور اجتماعی (سند شماره یک)، که طی آن کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران را منحل و هرگونه فعالیت تحت عنوان کانون عالی را خلاف قانون اعلام کرد، طرح شکایت در دیوان عدالت اداری بود و مسئولان وقت کانون عالی کارفرمایی نیز با طرح شکایتی در این دیوان خواهان ابطال دستور مدیرکل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی شدند. این شکایت، با دو خواسته‌ی: ۱- تقاضا ابطال دستور مدیرکل؛ ۲- تقاضای دستور موقت عدم اجرای آن؛ در شعبه‌ی ۱۹ دیوان عدالت اداری به ریاست آقای علی همت کلی‌وند مورد بررسی گرفت و روز ۲۷ دی ماه ۱۳۸۵ رأی این شعبه علیه مدیرکل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی صادر شد (سند شماره نه).

در بخشی از رأی شعبه‌ی ۱۹ دیوان عدالت اداری به استدلال‌های مدیرکل وقت سازمان‌های کارگری و کارفرمایی در توضیح علت صدور نامه‌ی انحلال استناد شده است. بر اساس این استدلال‌ها، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، به استناد بند ۲ ماده ۴۲ اساسنامه‌اش، به صورت خود به خودی و «فی‌نفسه» منحل شده است و مدیرکل وقت سازمان‌های کارگری و کارفرمایی صرفاً این انحلال خود به خودی را اعلام کرده تا زمینه‌ی تأسیس کانون عالی جدید، آن هم از طریق انتخاب هیأت مدیره‌ی جدید، فراهم شود.

ریاست شعبه‌ی ۱۹ دیوان عدالت اداری در رأی خود به صورت محترمانه به مدیرکل وقت سازمان‌های کارگری و کارفرمایی (و به این ترتیب به سایر مدیرکل‌هایی که در آینده ممکن است دچار چنین خطایی شوند) آموزش داده است که اتفاقاً ماده ۱۹ استنادی مدیرکل «انحلال کانون را حسب مورد بر عهده‌ی هیأت‌های حل اختلاف و یا دادگاه صالح قرار داده است و آنهم به درخواست اداره کل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی» (سند شماره نه). در نتیجه، حتی اگر مدیرکل محترم تصور می‌فرموده که کانون عالی کارفرمایی به صورت خود به خودی هم منحل شده است، وظیفه داشته مراتب را به اطلاع یک دادگاه صالح برساند تا دادگاه پس از بررسی‌های لازم حکم انحلال را صادر کند. به این ترتیب، تا وقتی هیچ دادگاه صالحی چنین رأی صادر نکرده باشد، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران نیز منحل نشده است. پس، نظر مدیرکل مبنی بر غیرقانونی و قابل پیگیری بودن هرگونه فعالیت تحت عنوان کانون عالی باطل و فاقد وجاهت قانونی است.

براساس چنین استدلال‌هایی است که ریاست شعبه‌ی ۱۹ دیوان عدالت اداری «دستور موقت عدم اجرای مفاد نامه» مدیرکل را صادر و تأکید می‌کند «رأی صادره در خصوص دستور موقت» تا «قطعیت دادنامه صادره در اصل ماهیت دعوی»، قطعی است، اما «در خصوص اصل شکایت شاکی [در خصوص ابطال دستور مدیرکل] ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظرخواهی در شعب محترم تجدید نظر دیوان عدالت اداری می‌باشد».

برای تأیید رأی شعبه‌ی ۱۹ بدوی دیوان عدالت اداری، روز ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ صادر شد و به این ترتیب، یکی از عالی‌ترین مراجع قضایی کشور نیز براساس بند ۲ ماده ۱۹ آئین‌نامه‌ی «چگونگی تشکیل انجمن‌های صنفی» اجازه‌ی انحلال انجمن‌ها را از دولت سلب و به دادگاه صالحه تفویض کرد و به این ترتیب، در سطح ساختار حقوقی جامعه گامی بسیار بلند در جهت تثبیت «حق آزادی انجمن» برداشته شد.

پیام کارفرمایان ♦ شماره بیست و یکم ♦ تیر ۸۹ ♦ ۱۱

تازه‌ای تدارک دیده است و همین دلایل مستند صدور حکم شعبه‌ی اول دادگاه تجدید نظر دیوان عدالت اداری علیه کانون عالی کارفرمایی قرار گرفته است. خلاصه‌ی آن‌ها (به نقل از سند شماره ده):

۱. نامه‌ی مدیرکل «به معنای اعلام انحلال کانون عالی از سوی وزارت کار نیست بلکه مفاد نامه مذکور توجه دادن به بند ۲ ماده ۲ اساسنامه کانون عالی است» (در این صورت، نفس شکایت منتفی و برگزاری دادگاه بی‌معنی می‌شود).

۲. طبق اساسنامه‌ی کانون عالی، انتخابات هیأت مدیره باید با ورقه و برگه رأی صورت گیرد. بنا بر این رأی‌گیری با قیام و قعود و یا با بلندکردن دست صحیح نمی‌باشد (ایا این حکم شامل ابقاء هیأت مدیره هم می‌شود؟).

۳. آنچه در ماده‌ی ۱۹ آئین‌نامه‌ی «چگونگی تشکیل انجمن‌های صنفی» مبنی بر ارجاع موارد تخلف به هیأت حل اختلاف یا دادگاه صالحه آمده، مربوط به فعالیت انجمن‌های صنفی یا یکی از اعضاء هیأت مدیره آن که مغایر با قوانین و مقررات تشخیص گردد، می‌باشد، ارتباطی با تشکیل مجمع عمومی و انتخاب هیأت مدیره و نحوه‌ی رأی‌گیری ندارد (آیا تشکیل مجمع عمومی و انتخاب هیأت مدیره جزو فعالیت‌های انجمن‌های صنفی محسوب نمی‌شود؟).

۴. در هیچ یک از مواد آئین‌نامه و اساسنامه‌ی انجمن‌های صنفی و کانون عالی ابقاء هیأت مدیره در سمت قبلی‌اشان پیش‌بینی نشده است (در این صورت ابقاء هیأت مدیره خلاف اساسنامه هم نیست).

قابل تأمل‌ترین بخش حکم شعبه‌ی اول تجدید نظر دیوان عدالت اداری آنجاست که با صراحت اعلام می‌کند از آنجا که کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران در جریان برگزاری مجمع خود موارد یاد شده در آئین‌نامه و اساسنامه‌ی خود را رعایت نکرده، «با صرف‌نظر از نامه مدیرکل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی وزارت کار»، «اعتبار قانونی نداشته و منحل گردیده است، بر این مبنا تجدیدنظرخواهی وارد و دادنامه بدوی مخدوش تشخیص گردید [...] و دستور موقت صادره از شعبه بدوی از این تاریخ کان لم یکن اعلام می‌گردد».

شاید بتوان تمام استدلال‌های شعبه‌ی اول تجدید نظر دیوان عدالت اداری را در این جمله خلاصه کرد که «مدیرکل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران را منحل نکرده است، اما شعبه‌ی اول تجدید نظر دیوان عدالت اداری این کانون عالی را منحل اعلام می‌کند!». پرسش بسیار ساده این است که آیا این شعبه چنین حقی را دارد؟ و پاسخ آن قاطعانه منفی است.

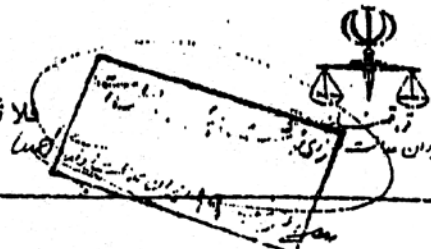
دست‌درکاران امور قضایی می‌دانند که شعب تشخیص دیوان عدالت اداری بسیار به ندرت و فقط پس از درخواست ریاست کل دیوان مبنی بر اعمال ماده ۱۸ قانون دیوان عدالت اداری است که احکام شعب تجدید نظر دیوان عدالت اداری را مورد بررسی مجدد قرار می‌دهند. استدلال‌ها و نتیجه‌گیری شعبه‌ی اول تجدید نظر دیوان عدالت اداری چنان موهن بود که ریاست کل دیوان عدالت اداری خواهان نقض دادنامه‌ی این شعبه شد. و سرانجام، رأی شعبه‌ی دوم تشخیص دیوان عدالت اداری (سند شماره‌ی یازده) مبنی بر تأیید رأی شعبه‌ی ۱۹ بدوی دیوان عدالت اداری، روز ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ صادر شد و به این ترتیب، یکی از عالی‌ترین مراجع قضایی کشور نیز براساس بند ۲ ماده ۱۹ آئین‌نامه‌ی «چگونگی تشکیل انجمن‌های صنفی» اجازه‌ی انحلال انجمن‌ها را از دولت سلب و به دادگاه صالحه تفویض کرد و به این ترتیب، در سطح ساختار حقوقی جامعه گامی بسیار بلند در جهت تثبیت «حق آزادی انجمن» برداشته شد.

تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پیوست:

بسمه تعالی
فلا تشعروا الهوى ان تعدلوا
دادنامه



بسمه تعالی

کلاس پرونده: ۲۳۱۶/۸۵/۱۹

شماره دادنامه: ۳۰۶۱

تاریخ: ۸۵/۱۰/۲۷

مرجع رسیدگی: شعبه ۱۹ دیوان عدالت اداری

شاکی: کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایی ایران به مدیریت آقای محمد عطاریان و با وکالت آقای احمد جوانمرد به نشانی مشهد چهار طبقه مجتمع اراک طبقه سوم واحد ۳۰۷
طرف شکایت: وزارت کار و امور اجتماعی

موضوع شکایت و خواسته: تقاضای ابطال دستور شماره ۸۵/۸/۱۱-۹۶۷۰۰ مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی و تقاضای دستور موقت عدم اجرای آن

گردشکار: شاکی با تقدیم دادخواستی به دفتر کل دیوان و ارجاع پرونده به شعبه نوزدهم و ثبت کل ۷۳۴۳۵-۸۵/۸/۲۰ و انجام تشریفات مقدماتی سرانجام جلسه شعبه در تاریخ فوق به تصدی امضاء کننده ذیل تشکیل با ملاحظه لوایح و مستندات ابرازی چون پرونده معد به صدور رأی تشخیص گردید با اعلام ختم دادرسی و استعانت از خداوند متعال مبادرت به انشاء رأی می نماید.

رای دیوان

راجع به شکایت کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران با وکالت آقای احمد جوانمرد و بطرفیت وزارت کار و امور اجتماعی در اعتراض به دستور شماره ۹۶۷۰۰ مورخه ۸۵/۸/۱۱ مدیر کل محترم سازمانهای کارگری و کارفرمایی و تقاضای دستور موقت عدم اجرای آن نظر به شرح شکایت شاکی و توجه به محتوای نامه معترض عنه مورد تقاضای ابطال توجه به مفاد صورتجلسه مورخه ۸۵/۸/۲۲ شعبه نوزدهم دیوان عدالت اداری و اظهارات صریح و قانونی شخص مدیر کل محترم سازمانهای کارگری و کارفرمایی جناب آقای نبی الله بیابانی نژاد که اظهار داشتند با عنایت به اینکه ماده ۲۲ اساسنامه کانون که دو مورد شرایط انحلال کانون را به صراحت ذکر نموده است و با توجه به احراز شرط مندرج در بند ۲ ماده مذکور طبق اساسنامه کانون فی نفسه منحل می گردد وزارت کار نیز با توجه به وظیفه قانونی موضوع ماده ۲۰۳ ق ک صرفاً موضوع انحلال و فاقد اعتبار بودن کانون را اعلام نموده است تا زمینه تأسیس کانون عالی جدید جهت کارفرمایان در سطح کشور فراهم شود که این شعبه دیوان عدالت اداری نظر به مراتب و جامع اوراق و محتویات پرونده و لوایح ارسالی از ناحیه طرفین و توجه به ماده ۱۹ آئیننامه قانون تشکلهای کارگری و کارفرمایی که انحلال کانون را حسب مورد بر عهده هیئتهای حل اختلاف و یا دادگاه صالح قرار داده است و آنهم به درخواست اداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار و با توجه به اظهارات خوانده که از یک طرف خواستار انحلال کانون مذکور است از طرف دیگر نقلر به تشکیل هیات مدیره جدید دارد که این خواسته خوانده با مواد ۲۲ و ۲۳ اساسنامه کانون منافات دارد زیرا به موجب ماده ۲۳ اساسنامه مذکور که متوالیاً پس از ماده ۲۲ انشاء گردیده است بلافاصله پس از انحلال



بسمه تعالی
فلا تثبغوا الهوی ان تعبدوا
دادنامه

تاریخ: ۱۳۸۰/۰۸/۱۰

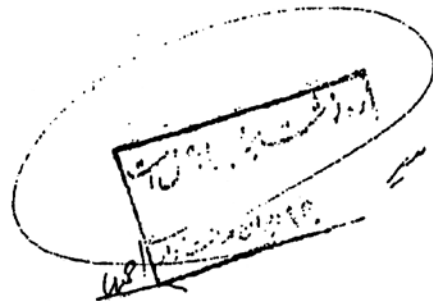
شماره: ۱۳۸۰/۰۸/۱۰

پیوست: ۱

نحوه تصفیه کانون توسط مجمع عمومی فوق العاده ملحوظ نظر مؤسسين واقع شده است که نظر به مراتب نمی شود در حالیکه انحلال کانون اعلام شده است سعی بر بقای آن با تشکیل هیأت مدیره جدید بشود زیرا اساسنامه چنین اجازه ای را نمی دهد که من حیث المجموع و نظر به اظهارات مدیر کل محترم تشکلهای کارگری و کارفرمایی جناب آقای بابایی نژاد و به استدلال مذکور از آنجا که نامه مورد اعتراض بر خلاف مقررات ماده ۱۹ آئیننامه استنادی و علی رغم ابقای هیئت مدیره در جلسه مورخه ۸۵/۸/۱۰ مجمع عمومی فوق العاده کانون انحلال کانون مذکور را اعلام نموده است در حالیکه مرجع محترم صدور اختیارات قانونی انحلال را بر خلاف مفاد اساسنامه و ماده ۱۹ آئیننامه مذکور ندارد علیهذا و مستندات به ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری و تبصره ذیل ماده ۱ قانون الحاق تبصره ببنواد ۱۵ و ۱۸ و ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۷۲/۲/۲۶ مجلس شورای اسلامی ضمن صدور دستور موقت عدم اجرای مفاد نامه معترض عنه تا قطعیت دادنامه صادره در اصل ماهیت دعوی به لحاظ ضرورت و فوریت دستور موقت و به لحاظ اینکه اجرای مفاد نامه مذکور موجب خسارت غیر قابل جبران به شاکی می گردد شکایت را وارد تشخیص و لهذا حکم به ورود شکایت شاکی صادر و اعلام می دارد. رأی صادره در خصوص دستور موقت صادره قطعی و در خصوص اصل شتایت شاکی ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در شعب محترم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می باشد. ۱۰۳/

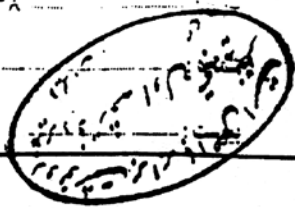
رئیس شعبه ۱۹ دیوان عدالت اداری

علی همت گلی وند

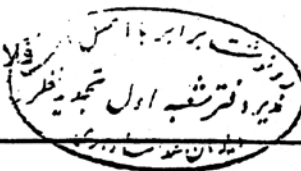


سید علی همت گلی وند

محل ثبت و اصلاح عمومی (شماره پرونده عدالت اداری: ۱۳۸۰/۰۸/۱۰)



بسمه تعالی
فلا تتبعوا الهوى أن تعدلوا
دادنامه



بسمه تعالی

شماره ثبت کل دادخواست: ۱۰۹۰۷۸ مورخ ۱۵/۱۱/۲۵

شماره دادنامه: ۳۳۱۱

کلاس پرونده: ۳۱۳۹/۸۶/۱

تاریخ: ۱۳۸۶/۱۲/۱۲

مرجع رسیدگی: شعبه تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

تجدیدنظرخواه: مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار و امور اجتماعی به نشانی تهران - خ آزادی - وزارت کار با وکالت آقای محمد یار ارشدی به آدرس فوق

تجدیدنظرخوانده: کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران به آدرس تهران خیابان حافظ - خیابان رودسر، پلاک ۲۹ - طبقه دوم با وکالت آقای احمد جوانمرد به نشانی مشهد چهار طبقه - مجتمع اول - طبقه سوم - واحد ۳۰۷

تجدیدنظرخواسته: دادنامه شماره ۳۰۶۱ صادره از شعبه نوزدهم دیوان عدالت اداری در خصوص پرونده کلاس ۲۳۱۶/۱۹/۸۵

گردشکار: کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران با تقدیم دادخواستی بطرفیت وزارت کار و امور اجتماعی اعلام شکایت کرده مبنی بر اینکه مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی بدون توجه به صلاحیت و حدود اختیارات خود طی نامه شماره ۹۶۷۰۰ مورخ ۱۳۸۵/۸/۱۱ کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران را منحل اعلام کرده است. دادخواست مذکور با امضای وکیل کانون تقدیم دیوان عدالت اداری گردیده و به شعبه ۱۹ دیوان ارجاع و به شماره ۲۳۱۶/۱۹/۸۵ ثبت گردیده است. اداره طرف شکایت طی لایحه دفاعیه شماره ۱۱۰۲۶۵ مورخ ۱۵/۹/۱۲ ضمن تشریح موارد تخلف هیأت مدیره کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران از مقررات و تأخیر در برگزاری مجمع عمومی کانون جهت انتخاب هیأت مدیره جدید که منجر به بروز اختلاف و تشنج در بین اعضای کانون و نیز حضور تعدادی افراد فاقد شرایط عضویت در جلسه مجمع عمومی مورخ ۸۵/۸/۱۰ گردیده است اعلام نموده که چون نحوه رأی گیری در خصوص ابقاء هیأت مدیره قبلی کانون عالی که بصورت دست یلند کردن بوده و همچنین تعدادی از رأی دهندگان صلاحیت رأی دادن را نداشته و عضویت آنان در کانون محرز نبوده وزارت کار بنا بر وظیفه قانونی نظارتی خود صورتمجلس و مصوبات مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۸۵/۸/۱۰ انجمن های صنفی کارفرمایی ایران که در آن هیأت مدیره کانون عالی به ریاست آقای محمد عطاردیان به مدت شش ماه در سمت های قبلی شان ابقاء گردیده اند بلااعتبار تشخیص و یادآور شده است که در صورت عدم انتخاب هیأت مدیره جدید تا تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۳ کانون عالی از حیز اعتبار ساقط و منحل می گردد، که با عنایت به محتویات اوراق پرونده و توضیحات وکلای محترم طرفین دعوی و نماینده حقوقی وزارت کار و پس از مطالعه لوائح دفاعیه تجدیدنظرخواه و تجدیدنظرخوانده ختم رسیدگی اعلام به شرح زیر بعمل می آید.

خیابان بهشت (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری

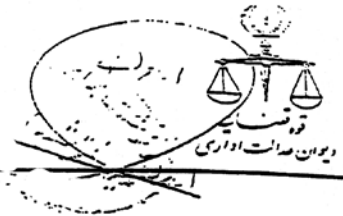
دیوان عدالت اداری

تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پیوست:

بسمه تعالی
فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَى أَنْ تَعْدِلُوا
دادنامه



« رأی دیوان عدالت اداری »

در خصوص تجدیدنظرخواهی مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار و امور اجتماعی با وکالت آقای محمد یار ارشدی از دادنامه شماره ۳۰۶۱ مورخ ۸۵/۱۰/۲۷ صادره از شعبه نوزدهم دیوان عدالت اداری نظر به اینکه اولاً نامه استنادی وکیل شاکی که به امضای مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار می باشد حکایت از عدم رعایت مقررات و اساسنامه کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران و نادیده گرفتن مفاد آئین نامه مربوطه در برگزاری مجمع عمومی فوق العاده انجمن های صنفی و در نهایت انحلال کانون عالی بعلت عدم انتخاب هیأت مدیره جدید دارد و این به معنی اعلام انحلال کانون از سوی وزارت کار نیست بلکه مفاد نامه مذکور توجه دادن به بند ۲ ماده ۴۲ اساسنامه کانون عالی کارفرمایی می باشد که مقرر میدارد (پس از گذشت ۶ ماه از تاریخ خاتمه اعتبار هیأت مدیره و عدم انتخاب هیأت مدیره جدید کانون منحل می گردد) ثانیاً ماده ۳۸ اساسنامه که در خصوص انجام انتخابات اعضای هیأت مدیره و بازرسان اعم از اصلی و علی البدل در کانون عالی تدوین گردیده است در بند ۳ ماده مذکور آمده است بر گزینش رأی تطوری تهیه خواهند شد که در آنها آسانی ۷ نفر از صنعت و ۶ نفر از حرفه و سه نفر بازرس بطور جداگانه مشخص شده باشد همچنین بند ۴ ماده ۳۸ صراحت در این دارد که انتخابات هیأت مدیره باید با ورقه و برگ رأی صورت گیرد بنابراین رأی گیری با قیام و قعود و یا با دست بلند کردن صحیح نمی باشد. ثالثاً آنچه در ماده ۱۹ آئین نامه چگونگی تشکیل و عملکرد انجمنهای صنفی آمده مبنی بر ارجاع موارد تخلف به هیأت حل اختلاف یا دادگاه صالحه، مربوط به فعالیت انجمن های صنفی یا یکی از اعضای هیأت مدیره آن که مغایر با قوانین و مقررات تشخیص گردد، می باشد، ارتباطی با تشکیل مجمع عمومی و انتخاب هیأت مدیره و نحوه رأی گیری ندارد. رابعاً در هیچیک از مواد آئین نامه و اساسنامه انجمن های صنفی و کانون عالی ابقاء هیأت مدیره در سمت قبلی شان پیش بینی نشده است و در تبصره ۳ ماده ۱۱ آئین نامه مارالذکر مهلت انتخابات هیأت مدیره جدید پس از انقضای دوره قبلی حداکثر ۶ ماه تعیین گردیده است که پس از آن بازرسان مکلفند انحلال تشکیل، انجمن صنفی یا کانون مربوط را به وزارت کار و امور اجتماعی اعلام نمایند علیهذا از آنجائیکه موارد یاد شده از آئین نامه و اساسنامه کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران در برگزاری مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۸۵/۸/۱۰ رعایت نگردیده است کانون عالی پس از تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۲ با صرف نظر از نامه مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار، اعتبار قانونی نداشته و منحل گردیده است بر این مبنا تجدیدنظرخواهی وارد و دادنامه بدوی مخدوش تشخیص گردید و با نقض آن مستنداً به ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت وکیل محترم کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران صادر می نماید و دستورموقت صادره از شعبه بدوی از این تاریخ کان لم یکن اعلام می گردد. این رأی به استناد ماده ۴۷ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ صادر و قطعی است.

مستشاران شعبه: تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

سید محمد حسینی

سید محمود نوریزاده

خیابان بهشت (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری تهران - ۵۵۶۰۹۰۳۱



بسمه تعالی

تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پیوست:

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَى أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

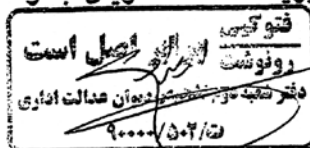
تاریخ: ۱۳۸۹/۲/۱۴ شماره داد نامه: ۳۹ کلاس پرونده: ۳۶۲/۸۸/تش ۲

مرجع رسیدگی: شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری

موضوع این پرونده: درخواست اعمال ماده ۱۸ قانون دیوان عدالت اداری توسط ریاست محترم دیوان عدالت اداری نسبت به دادنامه صادره از شعبه اول تجدیدنظر سابق بشماره ۸۶/۱۲/۱۲-۳۳۱۱
سوابق امر:

موضوع پرونده کلاس ۲۳۱۶/۸۵/۱۹ مطروحه در شعبه ۱۹ دیوان عدالت اداری

شاک: کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایی ایران به مدیریت محمد عطاریان با وکالت احمد جوانمرد و عبدالقادر آزده



طرف شکایت: وزارت کار و امور اجتماعی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال دستور شماره ۸۵/۸/۱۱-۹۶۷۰۰ مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی و تقاضای دستور موقت عدم اجرای آن

نتیجه امر: صدور دادنامه شماره ۳۰۶۱-۸۵/۱۰/۲۷ از شعبه نوزدهم مبنی بر حکم به ورود شکایت

موضوع پرونده کلاس ۳۱۳۹/۸۶/۱۱ مطروحه در شعبه یکم تجدیدنظر سابق دیوان عدالت اداری

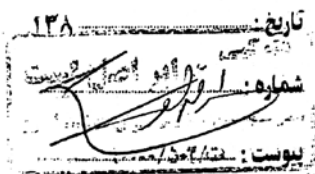
تجدیدنظرخواه: مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار و امور اجتماعی

تجدیدنظر خوانده: کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایی

موضوع تجدیدنظرخواسته: دادنامه شماره ۳۰۶۱-۸۵/۱۰/۲۷ صادره از شعبه ۱۹ بدوی

نتیجه امر: صدور دادنامه شماره ۸۶/۱۲/۱۲-۳۳۱۱ مبنی بر حکم به رد شکایت اولیه

گرددشکار: کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایی ایران شکایتی بطرفیت اداره کار بخواسته ابطال مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار را با مشخصات مندرج فوق تنظیم و تقدیم دیوان عدالت اداری نموده که پس از ثبت به شعبه نوزدهم دیوان ارجاع گردیده است کانون پیش گفته در متن دادخواست اجمالاً چنین اعلام نموده که کانون عالی انجمنهای صنفی که بر اساس ماده ۱۳۱ قانون کار در چهارچوب مقررات تشکیل گردیده یک نهاد مردمی و قانونی است که در سازمانهای مختلف به رسمیت شناخته شده ولی مدیر کل سازمانهای کارگری بر خلاف قانون و بدون در نظر گرفتن صورتمجلس مجمع عمومی این کانون بتاريخ



بسمه تعالی

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَى أَنْ تَعْدِلُوا

د/نامه



۸۵/۸/۱۰ سرپعاً طی نامه شماره ۹۶۷۰۰-۸۵/۸/۱۱-۸۵/۸/۱۱ قانون عالی انجمنهای عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان ایران را منحل نموده است حال آنکه این قانون قانونی تشکیل و در جلسه آن نمایندگان وزارت کار بوده و اعضای هیأت رئیسه را وفق مقررات انتخاب نموده اند و یک نسخه از صورتجلسه را جهت وزیر محترم کار جهت استحضار ارسال داشته اند و در آن بمدت شش ماه دیگر فعالیت هیأت مدیره قبلی تجویز شده و در اقدامات قانون اشکالی وارد نبوده است لذا درخواست صدور حکم بر ابطال دستور فوق اشاره و تقاضای دستور موقت بر ادامه عملیات قانونی را خواستارند پرونده پس از رسیدگی در شعبه نوزدهم دیوان منجر به صدور رأی گردیده است رأی شعبه نوزدهم اختصاراً آنست که چون ماده ۴۲ اساسنامه قانون شرایط انحلال قانون را به صراحت نام برده و توجهاً به وظیفه قانونی وزارت کار ماده ۲۰۳ قانون کار که صرفاً موضوع انحلال و فاقد اعتبار بودن قانون را اعلام نموده است تا زمینه تأسیس قانون عالی جدید جهت کارفرمایان در سطح کشور فراهم شود و با توجه به نحوه تصفیه قانون توسط مجمع عمومی که نظر به قواعد نمی شود در حالیکه انحلال قانون اعلام شده است سعی بر بقاء آن با تشکیل هیأت مدیره جدید بشود زیرا اساسنامه چنین اجازه ای را نمی دهد و چون عمل مدیر تشکلهای کارگری بر خلاف ماده ۱۹ آئین نامه مربوط است لذا و در نهایت رأی به ابطال تصمیم مدیر کل تشکلهای کارگری و کارفرمایی صادر نموده اند که از این رأی اداره کار اعتراض و پرونده امر در شعبه اول تجدیدنظر وقت دیوان عدالت اداری مطرح گردیده است شعبه اول تجدیدنظر با استدلالهایی منجمله آنکه چون رأی با ورقه انجام نگرفته و مفاد نامه مدیر کل اعلامی توجه دادن به بند ۲ ماده ۴۲ اساسنامه قانون کارفرمایی می باشد و اینکه چون آنچه در ماده ۱۹ آئین نامه چگونگی تشکیل و عملکرد انجمنهای صنفی آمده مبنی بر ارجاع تخلف به هیأت حل اختلاف یا دادگاه صالحه مربوطه به فعالیت انجمنهای صنفی با یکی از اعضای هیأت مدیره آن که مغایر با قوانین و مقررات تشخیص گردد می باشد و ارتباطی با تشکیل مجمع عمومی و انتخاب هیأت مدیره و نحوه رأی گیری ندارد و اینکه در آئین نامه و اساسنامه انجمنهای صنفی و قانون عالی ابقاء هیأت مدیره در سمت قبلیشان پیش بینی نشده است و در تبصره ۳ ماده ۱۱ آئین نامه مارالذکر مهلت انتخابات هیأت مدیره جدید پس از انقضای دوره قبلی حداکثر ۶ ماه تعیین گردیده است که بازرسان مراتب را متعاقباً بایست اعلام نمایند و چون مراتب مراعات نشده است ضمن نقض رأی شعبه نوزدهم دیوان حکم به رد شکایت وکیل محترم قانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایی ایران را صادر نموده اند و رأی بدین ترتیب به قطعیت رسیده و به متداعیین پرونده ارسال و ابلاغ شده است با گذشت مدتی قانون



بسمه تعالی

تاریخ: ۱۳۸۰/۱۰/۲۷

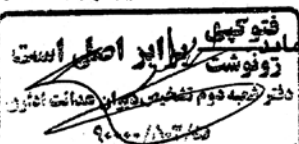
فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَى أَنْ تَعْدِلُوا

شماره: ۸۵/۱۰/۲۷-۳۰۶۱

پیوست: ۱

دادنامه

عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان با وکالت آقایان عبدالقادر آزاده و محسن تجویدی وکلاء پایه یک دادگستری از ریاست محترم کل دیوان عدالت اداری درخواست اجرا و اعمال ماده ۱۸ قانون دیوان را نموده اند تا پرونده در شعب تشخیص دیوان مطرح گردد فلذا پرونده با ارجاع به این شعبه تحت کلاسه فوق ثبت گردیده است اینک در جلسه ای با حضور امضاءکنندگان ذیل موضوع پرونده مطرح و پس از استماع گزارش عضو ممیز پرونده و



((رأی شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری))

نظر به اینکه ماده ۱۹ آئین نامه چگونگی تشکیل حدود وظایف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمنهای صنفی و قانونهای مربوط موضوع مواد ۱۳۰ و ۱۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی می گوید ۱- ثبت تشکلهای صنفی و نظارت بر فعالیت و انتخابات (اینها) به عهده وزارت کار است ۲- در صورتیکه مدیر کل اداره کار فعالیت انجمن یا یکی از اعضاء هیأت مدیره را مغایر با قوانین و مقررات تشخیص دهد مراتب را جهت اخذ تصمیم حسب مورد به هیأت حل اختلاف یا دادگاه صالح، ارجاع می کند و چون بر اساس ضوابط مقرر و پیش گفته این سیکل اداری در اقدامات و نامه مدیر کل محترم سازمانهای کارگری و کارفرمایی حفظ و دنبال نشده است و اداره کار طبق مقررات مربوط نمی توانسته در نامه معترض عنه برای وضعیت تعیین شده ناشی از انتخابات معمول نظر به اینکه بر خلاف مقررات نبوده قانون عالی انجمنهای صنفی ایران پس از انجام تشریفات قانونی سامان یافته نامه شماره ۸۵/۸/۱۱-۹۶۷۰۰ را تنظیم و به مرحله اجراء بگذارد لذا و مستنداً به مواد ۱۳۰ - ۱۳۱ قانون کار و نیز به استناد ماده ۱۹ آئین نامه چگونگی تشکیل حدود و وظایف و اختیارات و عملکرد صنفی و قانونهای مربوط نظر به اینکه رأی شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری وقت بدون عنایت و توجه به مراتب فوق اصدار یافته است و با توجه به اینکه ریاست محترم دیوان نقض دادنامه شماره ۸۶/۱۲/۱۲-۳۳۱۱ شعبه اول تجدیدنظر وقت دیوان را درخواست نموده اند و با اعلام به پذیرش درخواست اعلامی و احراز و تطبیق آن با ضوابط مقرر در ماده ۱۸ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۸۵ ضمن حکم به نقض دادنامه معترض عنه رأی و دادنامه شماره ۸۵/۱۰/۲۷-۳۰۶۱ شعبه ۱۹ بدوی سابق دیوان را در پرونده کلاسه ۲۳۱۶/۸۵/۱۹ عیناً تأیید و ابرام می نماید. رأی صادره قطعی است.

مستشاران شعبه ۲ تشخیص دیوان عدالت اداری
علی اکبر گوهری - محمدعلی محمدی - مرتضی عاشوری

رئیس شعبه ۲ تشخیص دیوان عدالت اداری
میر تقی قاضی پور

خیابان بهشت (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری تلفن ۵۶۰۹۰-۸

اتهام علیه اشخاص حقیقی: جعل عنوان، نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی

فوق الذکر ضمن رد اعتراض معنونه قرار منع تعقیب صادره را تأیید می‌نماید. این تصمیم دادگاه قطعی است.

سند شماری چهارده این مجموعه نیز حاکی از آن است که سرپرست دفتر حقوقی وزار کار و امور اجتماعی نسبت به قرار منع تعقیب صادره از شعبه‌ی دهم بازپرسی دادسرای ویژه‌ی رسیدگی به جرائم کارکنان دولت در رابطه با اتهام آقای بیژن سعید آبادی مدیرمسئول نشریه داخلی «پیام‌کارفرمایان» اعتراض کرده است و شعبه‌ی ۱۰۸۳ دادگاه عمومی جزایی تهران این اعتراض را مورد رسیدگی قرار داده و ضمن رد اعتراض شاکی قرار صادر را تأیید کرده است. دلیل تأیید قرار منع تعقیب مدیرمسئول بسیار ساده است: اولاً بر خلاف ادعای مسئولان وزارت کار و امور اجتماعی نشریه‌ی «پیام‌کارفرمایان» از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز نشر دریافت کرده است، ثانیاً مطالب مورد اعتراض از آقای محمد عطاردیان نقل شده و عدم احراز ارتکاب بزه از سوی وی نیز پیشتر محرز شده است. در نتیجه هیچ کار خلافی صورت نگرفته است.

نکته‌ای که لازم است در اینجا مورد اشاره قرار بگیرد اتهام دروغ طرح شکایت به سازمان بین‌المللی کارفرمایان از سوی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران است. هرچند دادگاه با صراحت اعلام کرده است که حتی اگر چنین اقدامی «خلاف مصالح کشور هم تلقی شود چون حکایت از اعلام نظر یک کارشناس در مسأله‌ای تخصصی دارد نمی‌تواند جرم تلقی گردد»، با این همه، تذکر این واقعیت تاریخی اهمیت دارد که اتفاقاً برعکس، این مسئولان وقت وزارت کار و امور اجتماعی بودند که یک بحران خودساخته‌ی داخلی را به سازمان بین‌المللی کار و از آنجا به سازمان بین‌المللی کارفرمایان کشاندند و با سوءرفتارهای بعدیشان آبروی دولت جمهوری اسلامی ایران را در این محفل بین‌المللی در معرض خطر قرار دادند. تقریباً تمام اسناد کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران شاهد این مدعا هستند اما دهمین شماره‌ی نشریه‌ی «پیام‌کارفرمایان» که در تیر ماه ۱۳۸۶ منتشر شد به همین موضوع اختصاص دارد. عنوان سرمقاله‌ی این شماره‌ی نشریه کاملاً گویاست: اسناد تاریخی بین‌المللی شدن خطاهای اجتناب‌پذیر. در بخشی از این سرمقاله آمده است:

در عوض، مسئولان وزارت کار و امور اجتماعی، برای توجیه انحلال غیرقانونی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، ترجمه‌ی بیانیه‌ی مغشوش گروهی از کارفرمایان مخالف را در اختیار سازمان بین‌المللی کار قرار دادند و از این طریق به سازمان بین‌المللی کارفرمایان ارایه شد و از آن پس، خطاهایی که فقط ابعاد ملی داشت، ابعادی بین‌المللی یافت.

در پی ارایه توضیح از سوی رئیس وقت هیأت مدیره کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران که به همین منظور به ژنو فراخوانده شده بود، سازمان بین‌المللی کارفرمایان، بی‌آنکه از سوی این کانون عالی کارفرمایی درخواستی مطرح شده باشد، و فقط براساس وظایف خودش، دولت جمهوری اسلامی ایران را در سطح بین‌المللی به چالش کشید.

بدون تردید می‌توان اطمینان داشت که برخی از مسئولان وقت وزارت کار و امور اجتماعی، در این چالش حقوقی بر سر «حق آزادی انجمن» از طرح اتهام‌های دروغ و ارتکاب نیرنگ‌های مبتذل کوتاهی نکردند. این اتهام که کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران از دست برخورداری خلاف قانون برخی از مسئولان این وزارتخانه به سازمان بین‌المللی کار شکایت کرده است، هرچند طرح چنین شکایتی حق هر مظلومی است، یک نمونه از همین دروغ‌هاست و در بخش بعدی این گزارش نمونه‌هایی از نیرنگ‌های دیگر نیز ارایه می‌شود.

اسنادی که در این بخش ارایه شده‌اند، یک ویژگی مشترک دارند: تمام آن‌ها به شکایت مسئولان وقت وزارت کار و امور اجتماعی از اشخاص حقیقی مربوط هستند: مهندس محمد عطاردیان رئیس وقت هیأت مدیره و مهندس بیژن سعیدآبادی دبیرکل وقت کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران و مدیرمسئول نشریه‌ی «پیام‌کارفرمایان». اتهام‌ها نیز آشنا هستند: جعل عنوان، نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی.

سند شماری دوازده «قرار منع تعقیب» است که در تاریخ ۲۵ بهمن ماه ۱۳۸۵، یعنی حدود ۱۰۰ روز پس از برگزاری مجمع آبان ماه ۸۵ صدر شده است. در این سند آمده است:

در خصوص شکایت وزارت کار و امور اجتماعی بر علیه آقای محمد عطاردیان فرزند حبیب‌الله ۷۰ ساله مبنی بر نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی با مطالعه محتویات پرونده و تحقیقات به عمل آمده، اظهارات نماینده‌ی حقوقی وزارت کار و امور اجتماعی و دفاعیات متهم و رأی شعبه ۱۹ دیوان عدالت اداری و صورتمجلس مجمع عمومی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران به تاریخ ۱۰ آبان ۱۳۸۵ و سایر محتویات پرونده نظر به اینکه دلیلی بر کذب بودن اظهارات متهم وجود ندارد متهم در تاریخ مندرج در جراید که اظهاراتش به عنوان رئیس هیأت مدیره کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی داشته هنوز کانون متحل نشده بوده بنا بر این وقوع بزه محرز نمی‌باشد. لذا مستنداً به ماده ۱۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری قرار منع تعقیب صادر و اعلام می‌گردد و قرار صادره حضوری بوده و ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم محترم عمومی جزائی تهران می‌باشد. بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۱۱ تهران.

آیا این توضیح‌های صریح و بی‌ابهام این مسئول قضائی مسئولان وقت وزارت کار و امور اجتماعی را قانع کرده است؟ متأسفانه نه. اداره‌ی حقوقی این وزارتخانه نسبت به قرار منع تعقیب صادر از سوی بازپرس شعبه ۲ دادسرای ناحیه ۱۱ تهران اعتراض می‌کند و این اعتراض در روز شنبه ۲۶ تیر ماه ۱۳۸۶ در دادگاه شعبه ۱۰۱۸ عمومی جزایی تهران مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. حکم رئیس این دادگاه از جهاتی تاریخی محسوب می‌شود. به بخش‌هایی از حکم توجه کنید:

اظهارات مشتکی عنه در مصاحبه‌های خود که در نشریات تخصصی مربوطه درج شده است، حتی اگر به اثبات نیز نرسد به منزله نشر اکاذیب تلقی نمی‌گردد چرا که بزه مذکور وقتی محقق می‌گردد که مشخص شود شخص به قصد اضرار به غیر کذب را با علم و اطلاع نسبت به کذب بودن آن منتشر نماید که در ما نحن فیه مشتکی عنه به جهت آنکه نظارت وزارت کار و امور اجتماعی را در برگزاری انتخابات هیأت مدیره انجمن‌های صنفی مربوطه نوع دخالت تلقی می‌نماید، مبادرت به انجام مصاحبه نموده که این امر با توجه به وضعیت سن و سال و سوابق مشتکی عنه در موضوع معنونه یک اظهار نظر تخصصی تلقی می‌شود و هرچند اقدام وزارت کار و امور اجتماعی در جهت اجرای قانون باشد اینکه شخص یا اشخاص ذی نفع مخالف آن باشند و اقدامات را سلیقه‌ای و یا به عبارتی غیرقانونی بدانند و آن را اظهار نمایند فی نفسه مواجه وصف مجرمانه در تحقق بزه نشر اکاذیب نمی‌باشد مگر آنکه سوء نیت خاصی از اظهار کننده مطالب محرز گردد که در ما نحن فیه انجام مصاحبه با مطبوعات تخصصی و یا طرح شکایت به سازمان بین‌المللی کار هرچند اقدامی خلاف مصالح ملی کشور هم تلقی شود چون حکایت از اعلام نظر یک کارشناس در مسأله‌ای تخصصی دارد نمی‌تواند جرم تلقی گردد النهایه دادگاه با توجه به استدلالات

تاریخ ۱۳۸۰

شماره

پیوسته



دانشگاه ملی ایران
برگ بازجویی و صورت مجلس

صفحه

خواهان	شاکی	خوانده	موضوع	تاریخ	شعبه	پرونده
				روز ۱۳۸۰		
این سند در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است و در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است. این سند در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است و در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است. این سند در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است و در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است. این سند در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است و در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است. این سند در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است و در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است. این سند در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است و در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است. این سند در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است و در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است. این سند در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است و در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است. این سند در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است و در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است. این سند در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است و در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است.						

فرم شماره ۴۹/۲/۱۳۸۹

این سند در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است و در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۵ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران به ثبت رسیده است.



[illegible]

..... پیوست



دادگستری جمهوری اسلامی ایران
برگ بازجویی و صورت مجلس

EE.L. 16

25.11.2019

[illegible]

فرم شماره ۴۹/۴/۱۳۸۹



دادگاه

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

تاریخ

شماره

پیوست

بسمه تعالی

تاریخ رسیدگی: ۸۶/۱۰/۲۶ شماره پرونده: ۸۶/۱۰۸۳/۸۶ شماره دادنامه: ۸۶/۱۱/۶-۳۶۳
مرجع رسیدگی: شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی جزائی تهران (مستقر در مجتمع قضائی شهید بهشتی)
شاکی: حسن رضایی سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت کار و امور اجتماعی به نشانی خ آزادی نبش خ بهبودی وزارت کار و امور اجتماعی
متهم: بیژن سعید آبدادی مدیر مسئول نشریه داخلی پیام کار فرمایان به نشانی تهران خ حافظ خ رودسر شماره ۲۹ طبقه ۲

موضوع: اعتراض به قرار منع تعقیب

گرمشکوار: پس از ارجاع پرونده و وصول به شعبه به کلامه قبل ثبت و پس از جری تشریفات قانونی دادگاه در وقت ظهر/عصر/شبگاه تصدیق امضاء کننده قبل تشکیل است با بررسی پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با استحضار از غفلت محفل با طرح قبل بهائیت به صورت رای میبخشد.

((رای دادگاه))

درخصوص اعتراض شاکی آقای حسن رضایی سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت کار و امور اجتماعی نسبت به قرار منع تعقیب مورخ ۸۶/۲/۲۹ صادره از شعبه دهم بازپرسی داندسرای ویژه رسیدگی به جرائم کارکنان دولت در رابطه با اتهام آقای بیژن سعید آبدادی فرزند پرویز مدیر مسئول نشریه داخلی پیام کارفرمایان دائر بر انتشار نشریه مذکور بدون اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نشر اکاذیب و مطالب خلاف واقع به قصد تشویش اذهان عمومی نسبت به وزیر محترم کار و امور اجتماعی و غیره با توجه به محتویات پرونده، تحقیقات شعبه بازپرسی، دفاعیات متهم، پاسخ واصله از مدیرکل امور مطبوعات و خبرگزاریهای داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دال بر دریافت پروانه انتشار به عنوان یک نشریه داخلی از اداره کل مزبور، مفاد قرار صادره و اظهار نظر دادیار محترم، درج مطالب عمدتاً به نقل از آقای عطاردیان عضو هیأت مدیره کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی به لحاظ عدم احراز ارتکاب بزه ضمن رد اعتراض شاکی قرار صادره را تایید می نماید رأی صادره قطعی است.

سید حسین حسینیان

رئیس شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی جزائی تهران



۸۶/۱۰/۲۶

حکم شعبه‌ی ۸۶: یک سند آموزشی در مورد «حق آزادی انجمن»

با مانع اعمال قانونی آن باشد خوددار نمایند.

۴. سازمان‌های کارگری و کارفرمایی را نمی‌توان از طریق اداری منحل یا توقیف نمود.

اصول فوق‌انقدر صریح هستند که نمی‌توان درک کرد چطور ممکن است کارشناسان حقوقی اداره کل امور حقوقی وزارت کار و امور اجتماعی در مورد فهم آن‌ها دچار ابهام شده باشند. البته، جمهوری اسلامی ایران هنوز به مقوله‌نامه‌ی شماره‌ی ۸۷ نپیوسته است اما هم اساسنامه و هم «بیانیه‌ی حقوق و اصول بنیادین در کار» سازمان بین‌المللی کار تمام اعضا را ملزم می‌سازد که حتی اگر به این مقوله‌نامه ملحق نشده باشند باید مفاد آن را (همراه با سه مقوله‌نامه‌ی دیگر) اجباراً رعایت کنند.

به علاوه، این اصل کاملاً شناخته شده و بدیهی است که در سازمان‌های انتخابی، رکن اصلی تصمیم‌گیری «مجمع عمومی» است و این رکن می‌تواند، البته با رعایت تشریفات مورد توافق اکثریت اعضا، به سادگی اساسنامه‌ی خود را هم اصلاح کند. نیز طبق عرف پارلمانی که قواعد استاندارد اداری نشست‌های تصمیم‌گیری در سازمان‌های انتخابی است، اکثریت آراء می‌تواند با تصویب پیشنهاد «لغو مقررات»، مقررات مصوب سازمان را که اکنون مانع تصویب یک مصوبه هستند به سادگی لغو کنند.

با توجه به این اصول بدیهی، واقعاً قابل درک نیست که چطور کارشناسان حقوقی وزارت کار و امور اجتماعی این حق را برای «مجمع عمومی» کانون عالی کارفرمایی قائل نباشند که به مدت شش ماه هیأت مدیره‌ی خود را ابقاء کند تا بتوانند در یک شرایط مناسب انتخابات را برگزار کنند؟

به هر حال، اگر بنا بر درستی و حسن ظن گذاشته شود، می‌توان نتیجه گرفت که کشمکش حقوقی سه سال و نیمه‌ی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران با برخی از مسئولان وقت وزارت کار و امور اجتماعی به تولید یک مجموعه ادبیات حقوقی دست اول منجر شد که، مانند دادنامه‌ی یازده صفحه‌ای شعبه‌ی ۸۶ دادگاه عمومی مجتمع قضایی شهید صدر تهران (سند شماره هفده) تمام جنبه‌های مبهم قوانین و مقررات مرتبط با «حق آزادی انجمن» را مورد زرقاوی قرار دادند و این امر آگاهی عمومی همه‌ی ما را در این زمینه ارتقاء بخشیده است و این دست‌آورد کمی نیست. اما متأسفانه شواهدی که نشان می‌دهند تمام این ماجرا‌ی پر از آب چشم یک تصمیم سیاسی غلط برای غرق کردن یک کانون مستقل بوده است، کم نیستند و یک نمونه از آن‌ها دادن نشانی غلط کانون عالی به دادگاه است.

همانطور که پیشتر گفته شد، مدیرکل وقت دفتر امور حقوقی وزارت کار و امور اجتماعی از ریاست مجتمع قضایی شهید صدر تهران تقاضای دستور موقت مبنی بر مهر و موم و توقیف اموال و مسدود کردن حساب‌های کانون را کرده است (سند شماره پانزده). بدیهی است که دادگاه با چنین درخواستی مخالفت کرده باشد (سند شماره شانزده) اما نکته‌ی مهم، دادن نشانی غلط از کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران به دادگاه است که در این حکم قید شده است.

لازم به توضیح است که نشانی: «خیابان ملاصدرا، خیابان شیخ بهایی، خیابان صائب تبریزی غربی پلاک ۸ طبقه ۳» که به عنوان نشانی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران ذکر شده، مربوط به زمان تأسیس این کانون عالی بوده است و از آن زمان تا هنگام طرح این شکایت، دبیرخانه‌ی کانون عالی به سه مکان مختلف دیگر نقل مکان کرده است و مسئولان ذیربط وزارتخانه از نشانی جدید کانون عالی کاملاً مطلع بوده‌اند. اما به دلیل دادن این نشانی غلط، که اتفاقاً هیأت مؤسس کانون موازی در آن تشکیل می‌شد، کانون عالی کارفرمایی از وجود چنین شکایتی علیه خود بی‌خبر ماند تا اینکه روزی مدیرکل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی در پاسخ به خبرنگاری اعلام کرد که از کانون عالی کارفرمایی در دادگاه شکایت شده است. مسئولان عالی کارفرمایی با مراجعه به تک مجتمع‌های قضایی توانستند از وجود چنین شکایتی علیه خود مطلع شوند. آیا توسل به چنین ترفندهایی نتیجه داد؟ خوشبختانه، حکم تاریخی شعبه‌ی ۸۶ یک سند آموزشی در مورد «حق آزادی انجمن» هم محسوب می‌شود.

در این بخش از گزارش اسنادی ارایه شده که به شعبه‌ی ۸۶ دادگاه عمومی مجتمع قضایی شهید صدر تهران و به موضوع انحلال کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران مربوط می‌شوند. نخستین سند از این مجموعه (سند شماره‌ی پانزده) به تاریخ ۱۷ آبان ماه ۱۳۸۵ (یعنی ۷ روز پس از مجمع عمومی ۱۰ آبان ۸۵) مربوط است، و آخرین آن‌ها (سند شماره هیجده) رأی شعبه‌ی ۴۰ دادگاه تجدید نظر استان تهران است که در تاریخ ۲۸ بهمن ماه ۱۳۸۸ برگزار شد و رأی یازده صفحه‌ای و تاریخی شعبه‌ی ۸۶ دادگاه عمومی مجتمع قضایی شهید صدر تهران مبنی بر «بطلان دعوی وزارت کار و امور اجتماعی به جهت فاقد مبنا و جایگاه بودن و همچنین حکم بر بطلان و بی‌اعتباری کانون عالی کارفرمایان [کانون موازی] و ابطال اقدامات انجام یافته در جهت ثبت کانون مذکور» را تأیید کرده است.

تقریباً به موازت روند قضایی در دیوان عدالت اداری که شاکی پرونده کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران بود و از اواخر آبان ماه ۱۳۸۵ آغاز شد، روند قضایی دیگری در مجتمع قضایی شهید صدر تهران به جریان افتاد که شاکی آن وزارت کار و امور اجتماعی بود. در حالیکه روند اول، خواهان ابطال دستور مدیرکل وقت سازمان‌های کارگری و کارفرمایی وزارت کار و امور اجتماعی مبنی بر انحلال کانون عالی کارفرمایی بود، روند دوم انحلال کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران را درخواست می‌کرد. تناقض را ملاحظه می‌کنید: اگر کانون عالی کارفرمایی منحل نشده، پس دستور انحلال و آن همه خط و نشان کشیدن چه معنایی دارد؟

البته نتیجه‌ی این هر دو روند اوائل سال ۱۳۸۹ نهایی شد: حقانیت قطعی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران. این ماجرا با تغییرات مسئولان وزارت کار و امور اجتماعی در دولت دهم همراه شد و سرانجام با برگزاری «نشست وفاق» در ۲۵ فروردین ماه ۱۳۸۹ یک دوره‌ی سه ساله‌ی کشمکش حقوقی خاتمه یافت و دوران جدیدی از انجمن‌گرایی در ایران آغاز شد که موضوع آخرین بخش این گزارش است. در این بخش، چهار سند مرتبط با شعبه‌ی ۸۶ دادگاه عمومی مجتمع قضایی شهید صدر تهران مرور می‌شود. اما پیش از معرفی اجمالی این اسناد، باید به یک واقعیت تلخ اشاره کرد که نشان می‌دهد برخی از مسئولان وقت وزارت کار و امور اجتماعی برای غرق کردن کانون عالی کارفرمایان مستقل، متأسفانه از ارتکاب رفتارهای ناپسند خلاف اخلاق هم پرهیز نکرده‌اند.

همانطور که گفته شد روند قضایی در مجتمع قضایی شهید صدر تهران با شکایت مدیرکل دفتر امور حقوقی وارت کار و امور اجتماعی در تاریخ ۱۷ آبان ماه ۱۳۸۹ آغاز شد (سند شماره‌ی پانزده). در این سند، اداره‌ی کل امور حقوقی وزارتخانه منحل بودن کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران را بدیهی فرض کرده و با توجه به «احتمال انجام هر گونه عملیات بانکی و یا اقدامات سوء مدیریتی از سوی هیأت مدیره‌ی منحل» از ریاست مجتمع قضایی شهید صدر درخواست کرده است تا «دستور موقت مبنی بر مهر و موم و توقیف اموال و مسدود نمودن حساب‌های کانون مورد نظر» را صادر فرماید «تا از بروز هر گونه تبعات جدی جلوگیری گردد».

از آنجا که این شکایت با امضاء مدیرکل وقت دفتر امور حقوقی وزارت کار و امور اجتماعی تقدیم دادگاه شده، می‌توان تصور کرد که، اگر تصمیم به انحلال کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران یک تصمیم سیاسی نبوده باشد، در آن صورت، حتی کارشناسان حقوقی آن وزارتخانه نیز تا چه اندازه نسبت به مفاهیم اساسی مندرج در «حق آزادی انجمن» بیگانه بوده‌اند. این حقوق، در مقوله‌نامه‌ی شماره‌ی ۸۷ سازمان بین‌المللی کار به صراحت و اختصار بیان شده است. برخی از آن‌ها:

۱. کارگران و کارفرمایان بدون هیچ گونه امتیازی می‌توانند بر طبق تمایل خود و بدون اجازه قبلی اقدام به تشکیل سازمان‌هایی به میل خود نموده و یا به این سازمان‌ها بپیوندند به شرط اینکه اساسنامه‌های آن‌ها را رعایت کنند.
۲. سازمان‌های کارگری و کارفرمایی حق دارند اساسنامه و آئین‌نامه‌های اداری خود را تدوین و نمایندگان خویش را آزادانه انتخاب و اداره امور خود را تنظیم و برنامه عملی خود را اعلام دارند.
۳. مقامات دولتی باید از هر گونه مداخله‌ای که ممکن است این حقوق را محدود

به تعالی

شماره: ۹۸۵۵
تاریخ: ۱۳۸۵/۱۱/۱۷
پیوست:

ریاست محترم مجتمع قضایی شهید صدر

با سلام

احتراماً، با توجه به پایان مدت اعتبار و فعالیت هیأت مدیره کانون عالی کارفرمایان ثبت شده در وزارت کار و امور اجتماعی و انقضای مهلت تعیین شده در آئین نامه مربوطه مبنی بر تجدید انتخابات و برابر تبصره ۳ ماده (۱۱) آئین نامه چگونگی تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط مصوب ۱۳۷/۱۰/۶ هیأت محترم وزیران و با توجه به بند ۲ ماده ۴۲ اساسنامه کانون، کانون عالی مذکور منحل بوده و بازرسان کانون موظف به اعلام انحلال آن به وزارت کار و امور اجتماعی می باشند. لذا باتوجه به عدم اقدام بموقع بازرسان کانون و احتمال انجام هرگونه عملیات بانکی، و یا اقدامات سوء مدیریتی از سوی هیأت مدیره منحل، خواهشمند است با توجه به تبصره ماده ۴۳ اساسنامه کانون مذکور دستور موقت مبنی بر مهر و موم و توقیف اموال و مسدود نمودن حسابهای کانون مورد نظر را به شرح ذیل صادر فرمایید تا از بروز هرگونه تبعات عدی جلوگیری گردد. ضمناً در خصوص دعوی اصلی دادخواست مورد نظر تهیه و تقدیم می گردد.

۱- حساب شماره ۳-۳۶۰۱ شعبه آفریقا کد ۷/۶ بانک کارآفرین

۲- حساب شماره ۱-۴۴۱۲ شعبه فلسطین شمالی که ۵-۶۳۰۵ بانک ملت

بدینوسیله خانم بتول آقا امیری بعنوان نماینده قضائی معرفی میگردند.



W11.85.8.nb.8

Website: www.irimlsa.ir
Email: info@irimlsa.ir

تهران - خیابان آزادی - نش خیابان بهبودی - وزارت کار و امور اجتماعی - کد پستی: ۱۴۵۷۹۹۴۸۶۱ - تلفن: ۹ - ۶۶۹۳۰۰۳۱
۶۶۴۴۹۱



دانشکده حقوقی و اجتماعی
دادنامه

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

شماره ۲۰
۸۵/۸/۲۰

تاریخ

شماره

پیوست



«بسمه تعالی»

تاریخ: ۸۵/۸/۲۰

کلاس پرونده: ۲۰/۸۶/۸۵

شماره دادنامه: ۸۵/۸/۲۷-۵۸۴

موضوع رسیدگی شعبه ۸۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران

خواهان: وزارت کار و امور اجتماعی با وکالت خانم بتول آقا امیری: تهران خ آزادی ساختمان وزارت کار و امور اجتماعی ط ۳۰ دفتر امور حقوقی

خوانده: کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان ایران: تهران خ ملاصدرا خ شیخ بهایی خ صائب تبریزی غربی پ ۸ ط ۳

خواسته: انحلال کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان ایران

گردشکار - خواهان دادخواستی به خواسته فوق بطرفیت خوانده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت بکلاس فوق و جری تشریفات قانونی در وقت فوق العاده / مقرر دادگاه بتصدی امضاءکننده زیر تشکیل است با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و بشرح زیر مبادرت به صدور رای می نماید.

«رای دادگاه»

بتاریخ ۸۵/۸/۱۷ وزارت کار و امور اجتماعی دادخواستی به طرفیت کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان ایران دایر بر اعلام انحلال کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان ایران و در ابتدا جلوگیری از هر گونه عملیات اجرایی و لزوماً صدور دستور موقت مبنی بر توقیف اموال مهر و موم و مسدود نمودن حسابهای کانون مذکور را تقدیم این دادگاه کرده است. نظر این که با عنایت به خواسته تقدیمی و اساسنامه کانون مذکور شرایط خاصی در جهت انتخاب هیئت مدیره تعیین و عزل گردیده است که اتخاذ تصمیم در این رابطه مبنی بر صحت اقدام مرجع مذکور مبنی بر موازین و مقتضیات قانونی است یا خیر، مستلزم ورود به ماهیت بوده و بدون تشکیل جلسه دادرسی و استماع دفاع طرفین دعوی و مستندات پرونده و مستندات ابرازی امکانپذیر نبوده و متعلق بر اصول دادرسی نمی باشد علاوه بر آن دستور موقت مورد تقاضا نیز در صورت پذیرش به منزله غیر فعال نمودن مرجع مذکور و به اعتباری ایجاد و موجبات انحلال آن قبل از ورود به ماهیت بوده و به تعبیر دیگر در تلافی با اتخاذ تصمیم با ماهیت موضوع است و از این جهت فوریت امر قضائی آن در وضعیت حاضر احراز نمی گردد بویژه آنکه هر موضوعی که خوانده و بجهت پیامدهای اجتماعی و سیاسی گردد و به صرف اتکای به این موضوع سلب فعالیت مراجع و مسابقت حقوقی و قانونی موجب استرداد استمرار فعالیت آنانرا قبل از احراز شرایط لازم فراهم خواهد شد.

۱۱۷۴۰۳۶۷



فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

تاریخ
شماره
پیوست

دادگاه

پرونده شماره: ۷۰۰/۸۶/۸۵

صفحه دوم

آورد بویژه آنکه احتمال قوی به اموال مجبور لازم و کافی در جهت صدور دستور موقت را فراهم ساخته و لزوماً مدیران مجموعه با توجه به مواد اساسنامه و سایر قوانین جاریه کشور از مسئولیت های قانونی برخوردار که در صورت تخطی از ضوابط مذکور مسئول احوال مجازات های قانونی خواهند گردید با وصف مراتب فوق دادگاه تقاضای مربوطه را در انطباق با مواد ۳۱۰ و ۳۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی ندانسته و به نوعی اجابت تقاضا را موازی و مقارن با اتخاذ تصمیم درمایت امر تلقی و بدین مضمون نظر بر رد تقاضای خواهان صادر و اعلام می دارد قرار دادگاه مستقلاً با عنایت به ماده ۳۲۵ قانون استنادی قابل اعتراض و تجدیدنظر و فرجام نبوده لیکن متقاضی می تواند ضمن تقاضای تجدیدنظر به اصل رای نسبت بدان اعتراض و درخواست رسیدگی نماید.

رئیس شعبه ۸۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران

مهر داد یزدانی



شماره دادنامه: ۸۸۰۹۹۷۲۱۶۱۸۰۰۵۲۱ شماره پرونده: ۸۵۰۹۹۸۲۱۶۱۸۰۰۰۳۴ شماره بایگانی شعبه: ۸۵۰۰۳۴ تاریخ تنظیم: ۱۳۸۸/۰۷/۲۴ پیوست:	«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تَعْدِلُوا»	 دادگستری جمهوری اسلامی ایران
شعبه ۸۶ دادگاه عمومی (حقوقی) مجتمع قضایی شهید صدر تهران		
دادنامه		
پرونده کلاسه: ۸۷۰۱۱۱/۸۶/۸۷ دادنامه: ۸۸۰۵۷۵		
خواهان .. کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایی با وکالت عبدالقادر آزده و محسن تجویدی تهران خ ولی عصر بالاتر از میدان ونگ خ برادران شریفی پلاک ۱۱ ط ۵ شماره ۵۰۴		
خوانده کانون عالی کارفرمایی ایران تهران خ شهید بهشتی خ سرافراز خ هفتم پلاک ۳۲ ط ۴		
پرونده کلاسه: ۸۵۰۹۹۸۲۱۶۱۸۰۰۰۳۴ شعبه ۸۶ دادگاه عمومی (حقوقی) مجتمع قضایی شهید صدر تهران دادنامه شماره ۸۸۰۹۹۷۲۱۶۱۸۰۰۵۲۱		
خواهان: وزارت کار و امور اجتماعی با وکالت محمود مددی تهران سهروردی شمالی بالاتر از چهار راه عباس اباد کوچه خ شهر ناش پلاک ۶۰ ط دوم و مسعود رجبی سیاه بومی تهران خ شهید احمد قصیر خ یازدهم پلاک ۸ واحد ۳ خوانده: کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان ایران به نشانی تهران خ ملاصدرا خ شیخ بهایی خ صائب تبریزی غربی پ ۸ ط ۳ خواسته: انحلال موسسه		
گردشکار - خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت فوق العاده / مقرر دادگاه به تصدی امضاءکننده زیر تشکیل است با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می نماید.		
«رای دادگاه»		
به تاریخ ۸۵/۸/۱۷ وزارت کار و امور اجتماعی با وکالت بعدی آقایان محمود مددی و نمایندگی قضایی آقایان رضایی و رجبی و متعاقب بر آن اعلام وکالت آقای مسعود رجبی دادخواستی بطرفیت کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایان ایران در ابتدا با وکالت آقای احمد جوآنمرد و پس از استعفا وی با وکالت آقایان عبدالقادر آزده و محسن تجویدی بخواسته اعلام انحلال کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان ایران و جلوگیری از هر گونه عملیات اجرایی و در ابتدا صدور دستور موقت مبنی بر توقیف اموال و مهر و موم و مسدود نمودن حسابهای کانون بالا تقدیم این دادگاه کرده اند ، مختصر ادعا بر این اساس است که کانون		

شماره دادنامه: ۸۸۰۹۹۷۲۱۶۱۸۰۰۵۲۱ شماره پرونده: ۸۵۰۹۹۸۲۱۶۱۸۰۰۰۳۴ شماره بایگانی شعبه: ۸۵۰۰۳۴ تاریخ تنظیم: ۱۳۸۸/۰۷/۲۴ پیوست:	«فَلَا تُبْعُوا آلَهُوَي أَنْ تُغْدَلُوا» شعبه ۸۶ دادگاه عمومی (حقوقی) مجتمع قضایی شهید صدر تهران	 دادگستری جمهوری اسلامی ایران
دادنامه		
مزبور بر اساس آیین نامه چگونگی تشکیل حدود و ظایف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط مصوب ۷۱/۱۰/۸۶ تشکیل و هیات مدیره آن در تاریخ ۸۲/۱۲/۱۳ به مدت سه سال منصوب و شروع به فعالیت نموده اند. که با توجه به انقضای مدت سه ساله در تاریخ ۸۵/۲/۱۳ و تکلیف کانون مورد نظر به تشکیل مجمع عمومی و انتخاب هیات مدیره جدید بازرسان کانون مکلف بوده اند پس از انقضای شش ماه نسبت به اعلام انحلال کانون مذکور به وزارت کار و امور اجتماعی اقدام نمایند که به دلیل عدم اقدام بازرسان شرکت تقاضای اتخاذ تصمیم به شرح خواسته را دارد که این خواسته در اثنای دادرسی کرارا تغییر و تبدیل پیدا کرده و در نهایت خواسته مذکور مقید و احصاء به ابطال صورت جلسه مورخ ۸۵/۸/۱۰ گردیده است. عمده ایراد وارده مبتنی بر این امر است که کانون مذکور یک تشکیل صنفی و غیر سیاسی بوده و کلیه اقدامات می بایست بر اساس اساسنامه و قانون انجام پذیرد و هیات مدیره قبلی کانون با استفاده از فرجه ششماهه مکلف به برگزاری مجمع عمومی جهت تعیین انتخاب هیات مدیره و بازرسان بوده اند لیکن اعمال انجام یافته در روز جلسه و برگزاری آن برابر مقررات و قانون نبوده بدلیل آنکه هیات مدیره می بایست با رای کتبی و به صورت مخفی انتخاب گردد و ابقای هیات مدیره سابق برای شش ماه دوم فاقد جایگاه قانونی بوده زیرا بند دوم ماده ۴۲ اساسنامه کانون به صراحت عنوان میدارد که پس از گذشت شش ماه از تاریخ خاتمه اعتبار فعالیت هیات مدیره و عدم انتخاب هیات مدیره و عدم انتخاب هیات مدیره جدید کانون منحل می گردد در حالیکه انتخاب هیات مدیره بطور غیر قانونی و با اخذ رای به صورت قیام و قعود صورت پذیرفته است بدون آنکه این امر در آگهی منتشره برای تشکیل مجمع عمومی عادی مشخص شده باشد در حالی که برای انتخاب مجدد هیات مدیره می بایست جلسه ای تحت نام مجمع عمومی برگزار میگردد و باید قبل از آن مجمع عمومی فوق العاده تشکیل و مصاد اساسنامه آن در این رابطه اصلاح می شد و پس از تأیید وزارت کار و امور اجتماعی این اقدام می توانست مستند برگزاری مجمع عمومی عادی و ابقای هیات مدیره برای بار دوم باشد. خصوصاً آنکه در بدو ورود به جلسه نام حاضرین می بایست از طرف انجمن مربوطه در لیست حاضرین در مجمع ثبت و ضبط می گردید و با دریافت ورقه رای مبادرت به انتخاب کتبی و مخفی برای نامزدی هیات مدیره جدید صورت می پذیرفت که این عمل هم محقق نگردیده است. و جلسه بدون انجام صورتجلسه ثبت برگزاری انتخابات و با حضور عده کثیری از مدعوین غیر عضو تشکیل گردیده است و علاوه بر آن مطابق اساسنامه کانون مکلف بوده هر ساله نسبت به برگزاری مجمع عمومی عادی برای انتخاب بازرس و بازرسین و رسیدگی به عملکرد و فعالیت هیات مدیره و تراز مالی اقدام می کرد که این امر هم صورت نپذیرفته و به عبارتی کانون فاقد بازرس قانونی بوده و نمی توانسته است بدون اقدامات و تکلایف مصرح در اساسنامه توسط بازرسین اقدامی انجام دهد و انتخابات افراد هیات رئیس مجمع که متشکل از رئیس آقای محمدرضا		

شماره دادنامه: ۸۸۰۹۹۷۲۱۶۱۸۰۰۵۲۱ شماره پرونده: ۸۵۰۹۹۸۳۱۶۱۸۰۰۰۳۴ شماره بایگانی شعبه: ۸۵۰۰۳۴ تاریخ تنظیم: ۱۳۸۸/۰۷/۲۴ پیوست:	«هَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تَغْلِبُوا»	 دادگستری جمهوری اسلامی ایران
دادنامه		
نجفی منش و منشی آقای علی تقی نژاد و ناظر آقای مرتضی صراف و همچنین ناظر دیگر آقای منوچهر صیادی فاقد شرایط لازم بوده اند زیرا که رئیس مذکور معرفی نامه ای از انجمن خود نداشته اند و انجمن سازندگان قطعات خودرو که آقای شهریارى بعنوان نماینده انجمن مذکور در مجمع شرکت کرده و آقای منوچهر صیادی نیز عضو کانون انجمنهای صنعتی شرکتهای ح محل و نقل کالای جاده ای بوده اند در حالیکه آقای حسین احمدی زاده کتباً معرفی شده و بنا به دلایل فوق اساس و ارکان مجمع عادی مورخ ۸۵/۸/۱۰ بر اساس قانون و مقررات لازم نبوده است و هر گونه تصمیم یا مصوبه ای که از ناحیه این مجمع عمومی غیر قانونی صادر شده باشد فاقد وجهت قانونی است بویژه آنکه جلسه مذکور توأم با تشنج و درگیری و بدون رای گیری صحیح از ناحیه اعضای منتخب نسبت به ابقای هیات مدیره نه انتخاب آنان اقدام گردیده است که ابقاء با انتخاب دو مقوله متضاد بوده و لزوماً در جهت ابقاء برگزاری مجمع عمومی فوق العاده با شرایط خاص خود و با تغییر اساسنامه کانون و مستنداً به ماده ۲۷ آن میسر بوده است که در مقام دفاع آقای جوانمرد با استناد به ماده ۲۸ اساسنامه انتخاب اعضای هیات مدیره را برای سه سال مبتنی بر اساسنامه دانسته است و انتخاب مجدد آنها را مواجبه با مانع قانونی ندیده که این امر در تاریخ ۸۵/۸/۱۰ صورت پذیرفته است . که در اثنای دادرسی آقای عطاردیان و به نمایندگی از کانون اعلام نموده اند که وی اعلام استعفا نکرده و با توجه به رای صادره از شعبه ۱۹ دیوان عدالت اداری قانونی بودن کانون تأیید شده است و از این حیث کما کان رئیس هیات مدیره بوده و با اعطای اختیارات از تاریخ ۸۵/۸/۱۳ و حتی قبل از آن دارای اختیار لازم بوده است و بویژه آنکه حق رای متعلق به نمایندگان انجمنهای صنعتی عضو کانون بوده و آقای احمدزاده ضمن اینکه رئیس هیات مدیره کانون حمل و نقل است . رئیس هیات مدیره انجمن حمل و نقل استان تهران نیز می باشند و آقای صیادی هم از انجمن حمل و نقل این استان واجد سمت بوده اند با ذکر این مطلب که مجمع در فراخوان بر خلاف دستور جلسه اقدامی به عمل نیاورده است زیرا هیات مدیره نه نفر اعضای اصلی و ۴ نفر بعنوان عضو علی البدل از بین نمایندگان نام الاختیار اعضای کانون عالی بر اساس ماده ۲۸ اساسنامه انتخاب می شوند و انتخاب مجدد آنها با هیچ مانع قانونی مواجبه نبوده است هر چند در ماده ۴۲ اساسنامه شرایطی اعلام گردیده است در حالیکه قبل از ۶ ماه انتخاب صورت پذیرفته و کلیه این مطالب در شعبه ۱۹ دیوان عدالت اداری مطرح شده است که این امر و انتخاب مجدد هیات مدیره و مفاد صورتجلسه مورد تأیید قرار گرفته است بویژه آنکه وکیل محترم خواهان به قید مندرج در اساسنامه ماده ۲۵ استنادی توجه نکرده اند زیرا در صورت غیر علنی بودن و با رای کتبی مد نظر قرار گرفته است که به تصویب مجمع عمومی برسد و آنهم در مواردی خاص که مجرای اعمال این امر فراهم نشده است و درخصوص دعوت اعضا سه ماه قبل از جلسه مطابق با نظارت و مصوبه وزارت کار این عمل انجام پذیرفته است که این همانگی با صورتجلسه دیگری که مورد موافقت واقع شده است صورت		



دادگستری جمهوری اسلامی
ایران

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه: ۸۸۰۹۹۷۲۱۶۱۸۰۰۰۵۲۱

شماره پرونده: ۸۵۰۹۹۸۲۱۶۱۸۰۰۰۳۴

شماره بایگانی شعبه: ۸۵۰۰۳۴

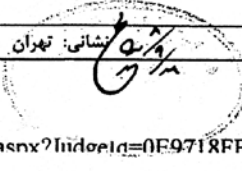
تاریخ تنظیم: ۱۳۸۸/۰۷/۲۴

پیوست:

شعبه ۸۶ دادگاه عمومی (حقوقی) مجتمع قضایی شهید
صدر تهران

دادنامه

پذیرفته و من بعنوان رئیس هیات مدیره جلسه را افتتاح کردم و چون وزارت کار به من گفته بود که حق رای ندارم و بهمین علت کاندیدا هم نبودم و از طرف هیچ انجمنی شرکت نکردم و من دبیر انجمن های ساختمانی بوده ام و از انجمنهای مذکور هم استعفا داده ام و این امر جایگاه مرا مطابق اساسنامه بعنوان رئیس هیات مدیره و یا عضو هیات مدیره کانون عالی مواجه با تغییر و خدشه نمی نماید زیرا اساسنامه مجوز این امر را صادر نموده ، خصوصاً آنکه ما انجمن دیگری تشکیل دادیم بنام انجمن راهسازی ایران که عضویت هیات مدیره با من است . لازم به توضیح آنکه فراخوان در چارچوب قانونی و اساسنامه صورت پذیرفته و مورد تأیید وزارت کار بوده است و نمایندگان وزارت کار از دو هفته قبل به طور غیر قانونی در کانون مستقر شده و برپرونده یکا یک اعضا رسیدگی کرده و حدود هفتاد عضو کانون را علیرغم اینکه دعوت شده بودند حائز شرایط اعلام نکرده اند و حتی تا ساعاتی نزدیک به تشکیل جلسه اجازه شروع مجمع را نداده و در این راستا ممانعت بعمل آورده اند و به جای ما واردین را کنترل کرده و تعداد ۱۵۳ عضو انجمن را واجد حق رای اعلام که صورت اعضا مشخص است که از ۱۵۳ عضو حائز رای حدود ۱۱۵ یا ۱۱۶ عضو انجمن وارد و تعدادی حاضر به شرکت در مجمع نشده اند و ما بقی تمکین به شرایط مذکور نکرده و مجمع را ترک کرده اند و مجمع با نظارت نماینده وزارت کارو رسیدن به حد نصاب تشکیل شد و از حدود ۲۲۰ تا ۲۳۰ عضو انجمن که عضو کانون عالی هستند حدود بیش از ۷۰ عضو انجمن محروم شدند و در عین حال توجه داد گاه را به نام شماره ۸۵/۸۷-۲۸۳/۱۵۷۸ مدیریت کانون آبیاری ایران وابسته به استان قزوین جلب نموده که عضو انجمن مانده بودند و به دعوت وزارت کار خود را معرفی و با اذن نماینده وزارت کار شرکت در جلسه کرده که از عاملین تشنج جلسه مزبور هم بوده اند و علت حضور هم در جهت تحصیل رای به نفع وزارت کار بوده که در نهایت وزارت کار ناگزیر شد به آنها اعلام نماید که فاقد حق رای هستند و شرایط به گونه ای رقم خورد که نشست در جلسه به سه ترتیب صورت گرفت یک گروه برگرفته از ۱۱۵ عضو و اجد حق رای ، گروه دیگر متشکل از ۷۰ عضو محروم شده و گروه دیگر ۱۵۰ عضو فاقد سمت و با وصفی که اعلام گردید یا باید جلسه را ترک می کردیم و یا تصمیم اتخاذ می نمودیم و چون امکان انجام دستورهای جلسه نبود ماتکلیف هیات مدیره را مشخص کردیم که مجمع بدون هیات مدیره نباشد تا مشکلات با وزارت کار مرتفع گردد و بر همین اساس سه پیشنهاد در جهت تمدید سه ماهه ، شش ماهه و یکساله مطرح گردید و حتی به آقای بابایی نژاد نماینده وزارت کار که حضور داشتند مطالب عنوان و نظر آنها استعلام گردید اعلام نمودند که تصمیم مجمع محترم است که حتی آقای خواجه نوری که قبلاً معاون وزیر بودند مراتب موافقت وزارت کار با شش ماه را منطبق برخواست وزارت کار اعلام نمودند که بر همین اساس دو سوم اعضا موافقت نمودن و صورت جلسه تنظیم گردید که آقای بابایی نژاد پس از تنظیم صورت جلسه اظهار نمودند فردا صبح کانون عالی را منحل می کنم که با



<http://hstdh-ndocForms/Indoe/HstIndoePrint.aspx?IndoeId=0E9718FF6F234C97A8C6F...> 12/12/1430

شماره دادنامه: ۸۸۰۹۹۷۲۱۶۱۸۰۰۵۲۱ شماره پرونده: ۸۵۰۹۹۸۲۱۶۱۸۰۰۰۳۴ شماره بایگانی شعبه: ۸۵۰۰۳۴ تاریخ تنظیم: ۱۳۸۸/۰۷/۲۴ پیوست:	«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْدُلُوا»	 دادگستری جمهوری اسلامی ایران
شعبه ۸۶ دادگاه عمومی (حقوقی) مجتمع قضایی شهید صدر تهران		
دادنامه		
ارسال صورتجلسه صبح روز بعد نامه انحلال کانون روز پنجشنبه که روز تعطیل است فرستاده شد و دیوانعدالت اداری همین نامه را نقض کرده است و در مرجع مذکور آقای بابایی نژاد گفتند ما انحلال کانون عالی را انجام دادیم تا کانون عالی دیگری تشکیل بدهیم و در تاریخ ۸۵/۱۲/۱۵ مجمع عمومی تشکیل شد اینجانب کاندیدا شدم و اسانامه هم اصلاح شد ، نمایندگان وزارت کار هم دعوت شدند و در این راستا ارسال اظهارنامه هم صورت پذیرفت و با تامین دلیل انتخابات انجام شد بنابراین فعالیت کانون قانونی و منطبق بر مقررات است در این اثناء دادخواست دیگری بتاريخ ۸۷/۴/۲۹ از ناحیه آقایان عبدالقادر آزاده و محسن تجویدی به وکالت از کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران بطرفیت ۱-وزارت کار و امور اجتماعی و ۲-کانون عالی کارفرمای ایران بخواسته بطلان و بی اعتباری کانون عالی کارفرمایان ایران بعنوان کانون موازی و ابطال اقدامات خواننده ردیف ۲ درمورد ثبت تشکل مذکور تقدیم این دادگاه شده است و مختصر ادعا بر این اساس مطرح شده که کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایی ایران در اجرای ماده ۱۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران با رعایت آیین نامه مربوط طه در سال ۱۳۷۸ تاسیس و اسانامه آن به تصویب مجمع عمومی رسیده و به شماره ۵۰۰ مورخ ۷۸/۷/۱۳ در اداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار و امور اجتماعی ثبت و گواهینامه ثبت تحت شماره مذکور صادر گردید در ماده ۳ اسانامه کانون مذکور مدت فعالیت کانون عالی از زمان تاسیس نامحدود اعلام گردیده است و مطابق ماده ۱۰ اسانامه ارکان کانون عالی عبارتند از مجمع عمومی ، هیات مدیره و بازرسان که مطابق ماده ۳۸ اسانامه هیات مدیره برای سه سال انتخاب می شوند و طبق ماده ۲۰ اسانامه اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال کانون عالی از فعالیت مجمع عمومی فوق العاده قرارداد شده است و در تبصره ماده ۷ آیین نامه چگونگی تشکیل حدود و وظایف و چگونگی عملکرد انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط موضوع ماده ۱۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران اعلام انحلال کانون عالی را در صورتیکه حداکثر بعد از شش ماه از پایان دوره تجدید انتخابات صورت نگرفته باشد را از اختیارات انحصاری بازرسان تعیین و اعلام نموده و حتی در ماده ۱۸ آیین نامه مذکور پس از انحلال صرفاً مراتب لغو ثبت به عهده وزارت کار و امور اجتماعی گذاشته شده است با توجه به مراتب فوق و علیرغم اینکه مجمع عمومی در مورخ ۸۵/۸/۱۰ یعنی قبل از انقضای مدت شش ماه مندرج در تبصره ماده ۷ تشکیل و مجمع به ابقای هیات مدیره قبلی برای ۶ ماه اتخاذ تصمیم می نماید و پیرو آن مجمع عمومی در تاریخ ۸۵/۱۲/۱۵ تشکیل و هیات مدیره را برای مدت سه سال تعیین می نماید ولی وزارت کار و امور اجتماعی علیرغم اینکه طبق قانون و آیین نامه مذکور نقش نظارتی دارد ولی به موجب دادخواستی بطرفیت موکل بخواسته اعلام انحلال کانون عالی و جلوگیری از هر گونه عملیات اجرایی مبادرت به تقدیم دادخواست می نماید و در جلسه اول دادرسی و پیرو آن جلسات بعدی خواسته خود را به ابطال صورتجلسه تغییر داده است و مهمتر آنکه خواننده		



نشانی: تهران



دادگستری جمهوری اسلامی
ایران

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْدُلُوا»

شماره دادنامه: ۸۸۰۹۹۷۲۱۶۱۸۰۰۵۲۱

شماره پرونده: ۸۵۰۹۹۸۲۱۶۱۸۰۰۰۳۴

شماره بایگانی شعبه: ۸۵۰۰۳۴

تاریخ تنظیم: ۱۳۸۸/۰۷/۲۴

پیوست:

شعبه ۸۶ دادگاه عمومی (حقوقی) مجتمع قضایی شهید
صدر تهران

دادنامه

ردیف یک اقدام به تشکیل کانون موازی یعنی کانون عالی کارفرمایان ایران می نماید و شماره ثبت مربوط به موکل را به خوانده ردیف دوم اختصاص می دهد حال با این وصف از یک طرف وزارت کار و امور اجتماعی طرح دعوی علیه موکل می نماید و تقاضای ابطال صورت مجلس را می نماید در جایی که نقش نظارتی داشته و از طرف دیگر بدون اینکه منتظر رای دادگاه شود کانون عالی جدید تشکیل و همان شماره ثبت را به آن اختصاص می دهد. بنابراین با توجه به اینکه تا کنون نه از طرف شخص حقیقی و نه حقوقی مندرج در اساستامه و آیین نامه مارالذکر اعلام انحلال کانون موکل نشده است، تقاضای اتخاذ تصمیم به شرح خواسته را دارد. که در اثنای دادرسی (جلسه مورخ ۸۷/۸/۲۹) دادخواست مطروحه علیه وزارت کار مسترد و مطابق دادنامه شماره ۸۷/۹/۵-۸۷۰۹۹۷۲۱۶۱۸۰۰۲۸۶ قرار ابطال دادخواست صادر گردیده است و مطابق دادنامه شماره ۸۵/۸/۲۷-۵۸۴ تقاضای دستور موقت وزارت کار هم مواجه با عدم قبول و اجابت دادگاه و منتهی به صدور قرار شده است با قید این توضیح که از ناحیه کانون عالی کارفرمایان ایران آقایان غلامرضا امینی و یوسف پاشایی به وکالت معرفی و در مقام دفاع اظهار میدارند که دعوی متوجه موکل نبوده زیرا نام موکل کانون عالی کارفرمایان ایران است و در عین حال کانون انجمنهای صنفی کارفرمایان ایران (کانون سابق) را به اعتبار عدم رعایت موازین و مقررات فاقد اعتبار و تشکیل مذکور را به اعتبار بند ۲ ماده ۴۲ اساسنامه فاقد موجودیت اعلام کرده اند و در عین حال به صلاحیت دادگاه به اعتبار ماده ۱۹ آیین نامه چگونگی تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمنهای صنفی کانونهای مربوطه موضوع ماده ۱۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران ثبت تشکلهای صنفی موضوع آیین نامه مزبور و نظارت بر انتخابات و فعالیت آنها را به عهده وزارت کار و امور اجتماعی اعلام و ثبت موکل را برگرفته از این امر دانسته اند و مرجع صالح برای رسیدگی به این موضوع را دیوان عدالت اداری اعلام کرده اند و در این راستا به شکایت خواهان در سال ۸۵ به دیوان عدالت اداری دایر بر ابطال دستور شماره ۸۵/۸/۱۱-۹۶۷۰۰ مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار نموده که منتهی به صدور دادنامه قطعی شماره ۸۶/۱۲/۱۲-۳۳۱۱ از شعبه اول دادگاه تجدیدنظر دیوان عدالت اداری گردیده است و بر این اساس نامه وزارتخانه مذکور را معتبر و نافذ دانسته و در این راستا به جایگاه و سمت خواهان دعوی استناد کرده اند و وزارت کار را در جایگاه تصمیم گیرنده اقدام کننده در این رابطه معرفی کرده اند و تقاضای رد دعوی خواهان را کرده اند و نظر به اینکه مطابق ماده ۱۹ آیین نامه استنادی ماده ۱۳۱ قانون کار قانونگذار صرفاً جایگاه نظارت را برای وزارت کار و امور اجتماعی قائل شده است و به همین علت اعلام نموده است که در صورت مشاهده فعالیت انجمن صنفی یا یکی از اعضای هیات مدیره غیر منطبق بر قوانین و مقررات مراتب را جهت اتخاذ تصمیم به هیات حل اختلاف یا دادگاه صالح ارجاع می کنند و این امر خود به وضوح بیانگر آنست که مرجع مذکور از جایگاه اتخاذ تصمیم و اعمال مقررات و قوانین برخوردار



نشانی تهران

<http://www.dh.gov.ir/Indoe/HstIndoePrint.aspx?IndoeId=0F9718FF6F234C97A8C6F...> 12/12/1430



دادگستری جمهوری اسلامی
ایران

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه: ۸۸۰۹۹۷۲۱۶۱۸۰۰۵۲۱

شماره پرونده: ۸۵۰۹۹۸۲۱۶۱۸۰۰۰۳۴

شماره بایگانی شعبه: ۸۵۰۰۳۴

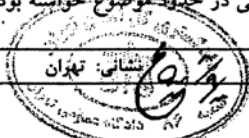
تاریخ تنظیم: ۱۳۸۸/۰۷/۲۴

پیوست:

شعبه ۸۶ دادگاه عمومی (حقوقی) مجتمع قضایی شهید
صدر تهران

دادنامه

نبوده و نمی باشد و نقش و جایگاه آن صرفاً نقشی بمنوان ناظر است نه مقام تصویب کننده کما اینکه ناظر در لغت به معنای نگاه کننده است و در اصطلاح به شخصی گویند که عمل یا اعمال شخص یا اشخاص را مورد توجه قرارداد و صحت و سقم آن عمل یا اعمال را به مقیاس معینی که مشهود است می سنجد و برای اینکار می بایست اختیار قانونی داشته باشد و مستفاد از ماده ۴۲۸ قانون تجارت هم موید همین موضوع است و باید توجه داشت که صلاحیت ناظر و متولی و وکیل در یک راستا نبوده و با ید اختیار تصویبی ناظر به حداقل ممکن تنزل کند یعنی تا حدی که مصالح مورد نظارت را تامین کند. از مصادیق نظارت در قانون مدنی در باب وقف و در قانون تجارت در مقوله شرکتها، مبتنی بر همین امر است و تنها مقام دادستان و مدعی العموم است که قانونگذار در مقام تفویض اختیار نیابتی به او جایگاه استصوابی وی را تاکید و تقویت نموده است و از این مجرا اختیارات گسترده ای را برای مشارالیه تدوین و تبیین نموده است و مبتنی بر این استدلال در هر جا که وجود ناظر ضرورت پیدا می نماید لیکن نوع نظارت (استصوابی یا اطلاعی) مواجه با تصریح نگردیده چون نظارت استصوابی توأم با محدودیت و مقید کننده اختیارات است اصل بر نظارت اطلاعی بوده و لزوماً نظارت استصوابی مستلزم نص قانونی است، به همین اعتبار ماده ۱۹ آیین نامه استنادی جایگاه تصویب و نظارت استصوابی را برای وزارت کار و امور اجتماعی قابل نگردیده و صرفاً وزارت کار را ملزم به انکسار عدم رعایت مقررات به مرجع صالح دانسته است و بویژه آنکه دیوان عدالت اداری نه هیات حل اختلاف صالح است نه تلقی و عنوان دادگاه صالح را دارد. خصوصاً آنکه به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دیوان مذکور مرجع شکایت مردم و اشخاص از تصمیمات اقدامات، آیین نامه ها و بخشنامه های خلاف قانون است نه مرجع شکایت دولت از اشخاص و به همین اعتبار آرای وحدت رویه به شماره ۳۹ و ۳۸ و ۳۷ مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۰ دیوان عدالت اداری مانع ورود شکایت مراجع دولتی یا نهادهای وابسته در مرجع مذکور گردیده است و در فرض بودن فاقد هر گونه صلاحیتی می باشد و بویژه آنکه پیرو شکایت قانون انجمنهای صنفی کارفرمایان ایران شعبه ۱۹ دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۸۵/۱۰/۲۷-۳۰۶۱ با استدلالاتی و زین موارد منع دخالت وزارت کار را تبیین و احصاء نموده است و حتی اگر مرجع مذکور در مقام صدور رای بر خلاف سیاق متن آن برمی آمد به جهت آنکه شکایت شاکی در مرجع مذکور مواجه با رد شده است خللی بر اعتبار و جایگاه کانون مزبور وارد نمی گردید خصوصاً آنکه دادنامه شماره ۸۶/۱۲/۱۲-۳۳۱۱ شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری خروج موضوعی از مصادیق شکایت مطروحه پیدا کرده و وارد اظهار نظر به موضوعی گردیده است که در حیطه صلاحیت و جایگاه او نبوده زیرا جایگاه اعلام انحلال کانونهای مربوط دادگاه صالح است و دیوان عدالت عنوان دادگاه را ندارد و نکته دیگر مطابق ماده ۴ قانون آئین دادرسی مدنی چهارچوب و تکلیف مراجع قضایی به رسیدگی در حدود موضوع درخواست بوده که همانا قبول یا عدم قبول شکایت کانون صالحی



<http://hstdh-sadr/Forms/Indoe/HstIndoePrint.aspx?IndoeId=0F9718FF6F734C97A8C6F...> 12/12/1430



دادگستری جمهوری اسلامی
ایران

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْدِلُوا»

شماره دادنامه: ۸۸۰۹۹۷۲۱۶۱۸۰۰۵۲۱

شماره پرونده: ۸۵۰۹۹۸۲۱۶۱۸۰۰۰۳۴

شماره بایگانی شعبه: ۸۵۰۰۳۴

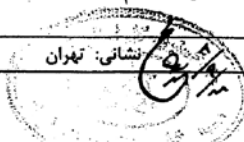
تاریخ تنظیم: ۱۳۸۸/۰۷/۲۴

پوست:

شعبه ۸۶ دادگاه عمومی (حقوقی) مجتمع قضایی شهید
صدر تهران

دادنامه

انجمنهای صنفی کارفرمایی ایران دایر بر ابطال مکاتبه شده ۸۵/۸/۷-۹۶۷۰۰ مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی بوده است و بر این اساس دادنامه صادره از هیچ حیث به جهت فقدان جایگاه قانونی آن مناط اعتبار در جهت اثر بخشیدن به مفاد آن نبوده و نمی باشد موضوع دیگر چگونگی تشکیل جلسه مورخ ۸۵/۸/۱۰ و آثار حاکم بر تشکیل جلسه مذکور و تاثیر صورتجلسه تنظیمی در بقاء و انحلال کانون عالی است. هر چند دستور جلسه مذکور در جهت اهداف پیش بینی شده در آگهی منتشره صورت پذیرفته است و در ابتدا می بایست با استناد به ماده ۵۸۸ قانون تجارت توجه به این امر داشت که شخصیتهای حقوقی ثبت شده پس از تشکیل دارای شخصیتی حقوقی مستقل و به اعتبار این شخصیت برخوردار از استقلال مالی و عملکرد می باشند و لزوماً تفکیک وظایف شخصیت حقوقی حقوق خصوصی و شخصیت حقوقی با شخصیتهای دولتی مقوله ای مجزا و متفک از یکدیگر است و اصل خصوصی سازی در تمام کشورها با نگاه واگذاری اختیارات نام به اشخاص حقوقی خصوصی است و دولت صرفاً جنبه نظارت و چشم دیده بان در جهت اجرای صحیح قانون را دارد و با این وصف مبنا و محور اقدامات شخصیت حقوقی خواننده دعوی رعایت مفاد اساسنامه و قانون تجارت بوده خصوصاً آنکه در قانون کار در مقام تبیین و تشریح وظایف و آثار حاکم بر آن برای تشکلهای تحت نظر مبادرت به وضع قانون و اعمال فائده نشده است با این وصف و با لحاظ ماده ۲۷ اساسنامه کانون چگونگی اخذ رای در جلسات مجامع عمومی عنوان و احصا گردیده در حالیکه در جلسه مذکور به جهت شرایط حاکم بر آن صرفنظر از اینکه اغتشاش حاصل در مجمع ناشی از عملکرد چه اشخاصی باشد بحث انتخاب اعضای جدید نبوده بلکه در مقام تائید و تمدید اعضای سابق صورت پذیرفته و لزوماً مجرای لزوم غیر علنی بودن انتخاب با رای مخفی منتفی بوده زیرا اشخاص قبلاً به طریق مذکور مورد انتخاب واقع شده بودند در مجمع مذکور در مقام تمدید آنها با جلب نظر اعضا بر آمده اند که این امر متفاوت با انتخاب اشخاص جدید است و صرفاً قبول هیات مدیره سابق ملحوظ نظر بوده که این امر مورد تصدیق واقع شده است. خصوصاً آنکه وزارت کار با حضور در صورتجلسه بعنوان ناظر و حاضر در مجمع چنانچه مخالف با این موضوع بود می بایست مانع این امر می شد و با تذکر در ذیل صورتجلسه حداقل در مقام تائید این عمل بر نمی آمد. صرفنظر از مورد فوق تبصره ۲ ماده ۲۸ اساسنامه صراحتاً اعلام می دارد: «هیات مدیره تا انتخاب اعضای جدید و انجام تشریفات قانونی مربوط به ثبت و اعلام اسامی آنها به انجام وظایف خود ادامه میدهد.» و این امر به منزله آنست که اساس نامه در هنگام تصویب در مقام این امر بوده است که هیچگاه شخصیت حقوقی مذکور مواجه با خلاء مدیریت نگردد و از این مجرا ضرری متوجه شخصیت مزبور و به تبع آن به اعضای آن وارد نشود و تاکید بر این موضوع ماده ۴۲ اساسنامه می باشد که در مقام انحلال کانون عالی مبادرت به تبیین و وضع مقررات نموده و به معنای آنستکه کانون عالی در مقام انحلال برای همیشه باشد و به همین علت در مواد بعدی آن



Forms/Judge/HstJudgePrint.aspx?JudgeId=0F9718FF6F234C97A8C6F... 12/12/1430

دادگستری جمهوری اسلامی
ایران

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه: ۸۸۰۹۹۷۲۱۶۱۸۰۰۵۲۱۱

شماره پرونده: ۸۵۰۹۹۸۲۱۶۱۸۰۰۰۳۴

شماره بایگانی شعبه: ۸۵۰۰۳۴

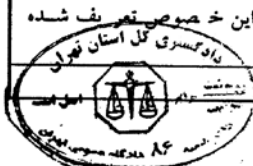
تاریخ تنظیم: ۱۳۸۸/۰۷/۲۴

پیوست:

شعبه ۸۶ دادگاه عمومی (حقوقی) مجتمع قضایی شهید
صدر تهران

دادنامه

چگونگی امر تسویه و متولیان امر تسویه را معین و مشخص نموده است. بنابراین در مقام تغییر مواد اساسنامه با لحاظ قانون می بایست به حکمت و فلسفه وضع مواد توجه نموده و درصدد ناکار آمد جلوه دادن آنها و ایجاد مقایرت برنیامده و شاهد بر این مدعا تبصره ۲ ماده ۲۸ است که شرکت را در هیچ مرحله ای مواجه با خلای مدیریت نمی نماید و به همین علت هم اگر اعضا نظر می دادند یا نه هیات مدیره باقی بوده است و صرف نظر از استدلال فوق حتی اگر معتقد به فقدان صحت تمدید مدت ماموریت هیات مدیره باشیم هر چند حتی بدون اقدام به این امر تبصره ۲ ماده ۲۸ خود راهکار این موضوع بوده و می باشد به فرض ابطال صورتجلسه مذکور و با لحاظ تاریخهای انتخاب اعضای هیات مدیره مدت فعالیت آنها تا تاریخ ۸۵/۱۰/۱۳ باقی و ابقاء بوده و لزوماً مکاتبه مدیر کل محترم سازمانهای کارگری و کارفرمایی در مقام انحلال کانون از وجاهت قانونی بر خوردار نبوده و نمی باشد و این نکته دقیقاً همان اشتباهی است که در دادنامه صادره از شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری بر خلاف صلاحیت مورد اظهار نظر واقع شده است با وصف مراتب فوق و با توجه به اینکه تا هنگامی که شخصیت حقوقی کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایی ایران باقی بوده است مجرای تشکیل کانون موازی هم از جایگاه قانونی برخوردار نبوده زیرا منطقی و موجه نیست که دو کانون با شخصیت یکسان و با شماره ثبت واحد مجرای فعالیت موازی پیدا نمایند بویژه آنکه وزارت کار و امور اجتماعی صرفاً جایگاه نظارت اطلاعی نه تصویبی داشته و این جایگاه مرجع محترم مذکور را در مقام یک مدعی قرار نداده و به همین اعتبار است که قانونگذار وزارت کار و امور اجتماعی را طرف ترافع کانونهای عالی و یا انجمنهای صنفی ندانسته و نمی داند زیرا مقررات بین المللی و کنوانسیونهای مربوطه که کشور جمهوری اسلامی ایران به آنها ملحق گردیده است و اجرای قوانین و مقررات آنها را مورد قبول قرارداده نیز اجازه دخالت تا این حد را به دولتها نداده خصوصاً آنکه مطابق ماده ۹ قانون مدنی در روابط بین المللی اعتبار عهده نامه ها و مقاوله نامه ها بیش از قانون داخلی است و اختیار دولت را در وضع قانون معارض با آن محدود می نماید و هیچ توجهی با هر انگیزه ای قابلیت معارضه با این امر را نداشته و ندارد، نکته دیگر مطابق ماده ۲۰۸ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ در مبحث شرکتهای سهامی عام و خاص تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مکاتبات و تقسیم دارایی شرکت می باشند. در حالیکه اساسنامه انحلال کانون مذکور محقق و مسجل نگردیده و نه در این راستا مدیر یا مدیران تصفیه ای تعیین شده است و نه امر تصفیه خاتمه یافته و شخصیت حقوقی آن هم زایل نشده است بنابراین تشکیل یک مرجع موازی و با همان شخصیت مشابه و برگرفته از همان اعضا از وجاهت و جایگاه قانونی برخوردار نبوده و نمی باشد، نکته دیگر آن که انحلال به معنای انقراض شخصیت حقوقی موجود در این خصوص تصدیق شده


<http://hstdh-sadr/Forms/Indoe/HstIndoePrint.aspx?IndoeId=0F9718FF6F234C97A8C6F...> 12/12/1430



دادگستری جمهوری اسلامی
ایران

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْدُلُوا»

شماره دادنامه: ۸۸۰۹۹۷۲۱۶۱۸۰۰۵۲۱

شماره پرونده: ۸۵۰۹۹۸۲۱۶۱۸۰۰۰۳۴

شماره بایگانی شعبه: ۸۵۰۰۳۴

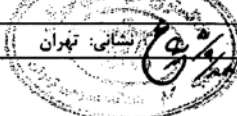
تاریخ تنظیم: ۱۳۸۸/۰۷/۲۴

پیوست:

شعبه ۸۶ دادگاه عمومی (حقوقی) مجتمع قضایی شهید
صدر تهران

دادنامه

است، لزوماً اگر قرار بود این شخصیت حقوقی از بین رفته و دوباره به شکل دیگری احیاء گردد انحلال و حذف آن چه معنا و مفهوم قانونی می تواند داشته باشد، بر این اساس می بایست بین مرگ یک شخصیت حقوقی (انحلال برای همیشه) و احیاء آن تفاوت قائل شد و چنانچه درصدد احیاء و بازسازی شخصیت مذکور باشیم می بایست با توجه به توسل به اساسنامه و قانون حاکم بر آن این عمل صورت پذیرد مواد ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ اساسنامه که مفایرت آن با قانون ثابت نگردیده است ساختار تشکیل جلسه برای انحلال کانون را مشخص و معین نموده است و به فرض که هیات مدیره به وظیفه خود عمل نکرده و یا بازرسان هم به این اقدام قانونی هست نگمارده باشند (که اصلاً مجرای اعمال این شرط فراهم نشده است) این حق اعضاء بود که امکان تشکیل جلسه با انتشار آگهی را در جهت اتخاذ تصمیم پیرامون انحلال کانون داشته اند، و جای این سوال مطرح است که وزارت کار در جائیکه مبادرت به تقدیم دادخواست کرده است (صرفنظر از اینکه آیا اساساً مقررات استنادی مجرای چنین اقدامی را برای وزارت کار قائل است یا نه) و هنوز نتیجه دادرسی مشخص نشده در مقام تائید و تخصیص شماره ثبت کانون موجود به کانونی همانند با شرح وظایف مشابه را می نماید، خصوصاً آن که آئین نامه چگونگی تشکیل حدود وظایف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط موضوع ماده ۱۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران صرفاً وجود یک کانون را تأکید و تأیید نموده و در ماده ۱۱ آن (تبصره ۳) بازرسان را مکلف به اعلام انحلال به وزارت کار کرده و ماده ۱۳ کانونها را تابع اساسنامه و قانون دانسته و صرفاً مرجع ثبت وزارت کار و امور اجتماعی تعیین شده است و در ماده ۱۶ آئین نامه مذکور ثبت دو شکل و انجمن صنفی یا کانونهای مربوط با یک نام و تحت یک عنوان مجاز نیست «صراحتاً به منع قانونی موضوع تأکید ورزیده است و در مواد هفده و هجده آن به چگونگی رفتار پس از انحلال، اشخاص ذی سمت در اقدام و شرح وظایف آن تأکید و تصریح شده است بر این اساس استدلال وزارت کار و امور اجتماعی در مقام به رسمیت شناختن کانون عالی کارفرمایان ایران (به اصطلاح کانون دوم) و تخصیص شماره ثبت کانون اول به آن منطبق بر قوانین و مقررات و شرح وظایف عمل ننموده است و از این حیث آثاری بر این ثبت جاری نبوده و نمی باشد با وصف مراتب فوق دادگاه ادعای وزارت کار و امور اجتماعی در مقام ابطال صورتجلسه مورخ ۱۳۸۵/۸/۱۰ را غیر موجه و غیر ثابت تشخیص (زیرا مجرای ابطال وجود نداشته و حتی متقی دانستن صورتجلسه مذکور اعضاء هیات مدیره تا اتمام مدت قانونی خود سه روز دیگر فرصت قانونی داشته و پیرو آن هم در صورت عدم اقدام بازرسان و اعضاء منطبق مربوط بر مواد بنا به تبصره های ۳ و ۲ ماده ۲۸ اساسنامه جایگاه آنها محفوظ بوده است) و با استناد به مدلول مواد ۱۲۵۷ و ۱۲۵۸ و ۱۲۸۴ و ۱۲۸۶ و ۱۳۲۱ و ۱۳۲۴ قانون مدنی و مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ قانون آئین دادرسی مدنی ضمن صدور حکم بر بطلان دعوی وزارت کار و امور اجتماعی به جهت فاقد معنا و جایگاه بودن آن و همچنین حکم بر بطلان و بی



<http://www.sadeghshirani.com/Forms/Indoe/HstIndoePrint.aspx?IndoeId=0F9718FF6F234C97A8C6F...> 12/12/1430

شماره دادنامه: ۸۸-۹۹۷۲۱۶۱۸-۰۰۵۲۱ شماره پرونده: ۸۵-۹۹۸۲۱۶۱۸-۰۰۰۳۴ شماره بایگانی شعبه: ۸۵-۰۰۳۴ تاریخ تنظیم: ۱۳۸۸/۰۷/۲۴ پیوست:	«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا» شعبه ۸۶ دادگاه عمومی (حقوقی) مجتمع قضایی شهید صدر تهران	 دادگستری جمهوری اسلامی ایران
دادنامه		
اعتباری قانون عالی کار فرمایان ایران و ابطال اقدامات انجام یافته در جهت ثبت کانون مذکور صادر و اعلام می دارد ، حکم دادگاه حضوری و نسبت به وزارت کار و امور اجتماعی به جهت آن که صرفاً یک مرجع اعلامی است نه طرف ترافع با لحاظ ماده ۳۳۰ و تبصره ۳ ماده ۳۳۹ قانون آئین دادرسی مدنی قطعی است ، اما نسبت به کانون عالی کارفرمایان ایران حضوری و ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در مرجع محترم تجدیدنظر استان تهران است . د رئیس شعبه ۸۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران  نشانی: تهران ۸۸-۹۹۷۲۱۶۱۸-۰۰۵۲۱		

سند شماره هیجده



دادگستری جمهوری اسلامی ایران
دادنامه
دادگاه تجدید نظر استان تهران

قُلَّا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَن تَعْدِلُوا

تاریخ:
شماره دادنامه:
شماره پرونده:
شماره بایگانی شعبه:

۲۲

بسمه تعالی

پرونده کلاسه: ۱۷۵۱-۱۷۵۰/۴۰/۸۸

۱۷۵۴-۱۷۵۳

شماره دادنامه:

بتاریخ: ۸۸/۱۱/۲۸

مرجع رسیدگی شعبه ۴۰ دادگاه تجدید نظر استان تهران

با حضور امضاء کنندگان ذیل:

تجدید نظر خواه: ۱- وزارت کار و امور اجتماعی - خ دکتر فاطمی روبروی خ حجاب ساختمان شماره ۳ وزارت کار ط ۶ دفتر حقوقی

۲- کانون مالی کارفرمایان ایران با وکالت ۱- غلامرضا امینی - خ کریم خان جنب بانک مسکن پ ۵۷ ط ۱ واحد ۲

۳- منصور، علیزاده - خ شهید بهشتی خ صابونچی پ ۲۴ ط ۱ واحد ۵۰

۴- کانون عالی انجمنهای صنفی کار فرمایان ایران با وکالت عبدالقادر آزاده و محسن تجویدی مجتمعا و منفردا - تهران خ ولیعصر (عج) بالاتر از میدان ونک خ برداران شریفی پ ۱۱ ط ۵ شماره ۵۰۴

تجدید نظر خوانده: به طرفیت یکدیگر

تجدید نظر خواسته: دادنامه شماره ۸۸۰۵۷۵ مورخ ۸۷/۷/۲۴ صادره از شعبه ۸۶ دادگاه عمومی تهران
گردشکار: دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می نماید.
(رأی دادگاهگاه)

در خصوص تجدیدنظرخواهی وزارت کار و امور اجتماعی به طرفیت کانون عالی انجمنهای صنفی کار فرمایان ایران و تجدیدنظرخواهی کانون عالی کار فرمایان ایران با وکالت آقایان غلامرضا امینی و منصور، علیزاده به طرفیت ۱- کانون عالی انجمنهای کار فرمایان ۲- وزارت کار و امور اجتماعی نسبت به دادنامه شماره ۸۸۰۵۷۵ مورخ ۸۷/۷/۲۴ صادره از شعبه ۸۶ دادگاه عمومی تهران که طی آن حکم به بطلان دعوی وزارت کار و امور اجتماعی و حکم به بطلان و بی اعتباری کانون عالی کار فرمایان و ابطال اقدامات انجام یافته در جهت ثبت کانون مذکور صادر گردیده است دادگاه با ملاحظه محتویات پرونده و لوایح و مدارک و اظهارات مضبوط در آن هر چند دادگاه بدوی رأی صادره را نسبت به وزارت کار و امور اجتماعی به جهت اینکه صرفا یک مرجع اعلامی است نه طرف ترافع قطعی اعلام نموده است در حالیکه با توجه به اینکه وزارت خانه مذکور یکی از اصحاب دعوی بوده و صرف مرجع اعلامی بودن نمی تواند حق تجدیدنظرخواهی را از ایشان سلب نماید و لذا حسب تبصره ۳ ماده ۳۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی وزارت مذکور نیز حق تجدیدنظرخواهی را دارد اما در خصوص تجدیدنظرخواهی های مذکور نظر به اینکه ایراد موجهی که موجب نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته شود بعمل نیامده و تجدیدنظرخواهی با شقوق ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی انطباق ندارد و با توجه به استدلال دادگاه بدوی ضمن رد تجدیدنظرخواهی ها دادنامه تجدیدنظرخواسته وفق ماده ۳۵۸ همان قانون تایید میگردد. این رأی قطعی است.٪

سستشار دادگاه

رئیس شعبه ۴۰ دادگاه تجدید نظر استان تهران

محمد باقر قربان وند

حسین خسروی

نشست وفاق: آغاز دوره‌ی جدید

انحلال کانون عالی از سوی دولت بود! مسئولان وقت وزارت کار و امور اجتماعی متن آن اطلاعیه را به انگلیسی ترجمه کردند و از طریق سازمان بین‌المللی کار در اختیار سازمان بین‌المللی کارفرمایان قرار دادند تا به این ترتیب، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران را از پشتیبانی سازمان بین‌المللی کارفرمایان محروم کنند. اما در این عرصه نیز تیر انشعابیون به سنگ خورد. آنتونیو پنالوزا رئیس هیأت مدیره‌ی کانون عالی را به ژنو دعوت کرد تا به انتقادهای مطرح شده از سوی انشعابیون پاسخ دهد و پاسخ‌های ارایه شده چنان مستدل و قانع کننده بودند که از آن پس سازمان بین‌المللی کارفرمایان عزم خود را برای دفاع کامل از کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران جزم کرد.

شکایت‌های سازمان بین‌المللی کارفرمایان و گروه کارفرمایان کنفرانس به کمیته‌ی اعتبارنامه‌ها و کمیته‌ی آزادی انجمن از مداخله‌های وزارت کار و امور اجتماعی در امور داخلی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، از نود و ششمین کنفرانس بین‌المللی کار آغاز شد و تا نود و نهمین کنفرانس که در خرداد ماه سال ۱۳۸۹ در ژنو برگزار شد ادامه یافت. در تمام این کنفرانس‌ها، از مسئولان وزارت کار و امور اجتماعی خواسته می‌شد تا در جریان انتخاب نمایندگان کارفرمایان با کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران مشورت کنند. اما فقط در فروردین ماه سال ۱۳۸۹ بود که مسئولان وزارت کار و امور اجتماعی در دعوت از نمایندگان کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی برای مشاوره در مورد نحوه‌ی انتخاب نمایندگان اعزامی به نود و نهمین کنفرانس بین‌المللی کار پیشقدم شدند. چه اتفاقی افتاده بود؟

اسناد این مجموعه به خوبی نشان داد که تمام تلاش‌های مسئولان وقت وزارت کار و امور اجتماعی برای پوشاندن جامه‌ی حقوقی به برخوردهای غیرقانونی خودشان با کانون مستقل کارفرمایان ایران با مقاومت قضاتی که قانون را فدای قدرت نکردند، و با استقامتی که مسئولان کانون عالی کارفرمایان از خود نشان دادند به شکست کشانده شد. به علاوه، حلقه‌ی فشارهای کمیته‌ی آزادی انجمن و کمیته‌ی اعتبارنامه‌ها نیز سال به سال تنگ‌تر و تنگ‌تر شد. در چنین شرایطی بود که سکان وزارت کار و امور اجتماعی در دولت دهم به دست وزیر دیگری سپرده شد که یکی از نخستین اقدام‌هایش گفتگو با تمام ذینفعان برای برگزاری «نشست وفاق» بود.

همانطور که پیشتر گفته شد، آخرین سند این مجموعه (سند شماره بیست و یک) با عنوان «توافق‌نامه‌ی نمایندگان تشکلهای کارفرمایی در خصوص ترکیب گروه کارفرمایی در کنفرانس بین‌المللی کار» نشان می‌دهد که نمایندگان هر دو کانون عالی کارفرمایی (به رغم آنکه طبق تصریح احکام قطعی دادگاه کانون موازی غیرقانونی است) در مورد ترکیب گروه اعزامی به توافق می‌رسند و در مورد «اخذ تصمیم واحد در خصوص ایجاد یک کانون عالی واحد کارفرمایی با حضور تمامی تشکلهای موجود کارفرمایی کشور» (بند ۲ توافق‌نامه) موافقت می‌کنند.

این گزارش با مرور اجمالی آخرین سند این مجموعه به پایان رسید. اما در پایان این سفر حقوقی هنوز پرسش‌های مهمی پاسخ می‌طلبد. برخی از آن‌ها: آیا انجمن‌ها ظرفیت لازم برای درس‌آموزی از این تجربه‌ی بزرگ را دارند؟ آیا آموزه‌های این تجربه‌ی بزرگ در ساختار حقوقی جامعه نهادینه خواهد شد؟ آیا کارشناسان حقوقی وزارت کار و امور اجتماعی در درک خود از «حق آزادی انجمن» تجدید نظر خواهند کرد؟ آیا همه‌ی ما برای تثبیت حق آزادی انجمن در ایران در ترویج این آموزه‌ی بزرگ خواهیم کوشید؟ و آیا منزلت کسانی را که این دستاوردهای عظیم حاصل تلاش‌هایی بی‌سر و صدای آنان است گرامی خواهیم داشت؟ چنین باد!

اگر شامگاه چهارشنبه ۱۰ آبان ماه ۱۳۸۵ که «مجمع عمومی» کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران به دلیل مداخلات غیرمتعارف عوامل برون‌سازمانی به تشنج کشیده شد و از روی ناگزیری به ابقاء هیأت مدیره رأی داد و به همین بهانه شمشیر «انحلال» برگردنش نشست، پایان یک دوره تلقی شود، در آن صورت می‌توان «نشست وفاق» را که روز ۲۵ فروردین ماه ۱۳۸۹ با حضور وزیر محترم کار و امور اجتماعی دولت دهم و نمایندگان کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران و نمایندگان کانون موازی برگزار شد، آغاز یک دوره‌ی جدید نامید. در آخرین بخش از این گزارش سه سند که به این دوره‌ی جدید مربوط می‌شوند ارایه شده است.

نخستین سند (سند شماره نوزده) نامه‌ی آقای حسین نوری سرپرست دفتر امور بین‌الملل وزارت کار و امور اجتماعی به «جناب آقای عطاردیان» «دبیرکل محترم کانون عالی [سابق] انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران» است (کلمه‌ی [سابق] حاکی از دوران گذار است و اشتباه تایپی نیست!).

اگر به خاطر بیاورید که استفاده از عنوان «رئیس هیأت مدیره کانون عالی کارفرمایی» از سوی فردی به نام «محمد عطاردیان» از مصادیق جعل عنوان بود و مدیرکل وقت سازمان‌های کارگری و کارفرمایی وزارت کار و امور اجتماعی برای خود حق پیگیری بزه ارتكابی از طریق مراجع قضایی را محفوظ نگاه داشته بود و بعدها از این حق استفاده کرد و این فرد را به اتهام جعل عنوان، تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب به دادگاه کشاند، در آن صورت ادعان خواهد کرد که حتی استفاده از عنوان «دبیرکل محترم» نیز حاکی از آغاز یک دوره‌ی جدید است.

جناب آقای حسین نوری در نامه‌ی خود خاطر نشان ساخته است که «دفتر امور بین‌الملل وزارت کار و امور اجتماعی مایل است جنابعالی و مشاوران محترمان در جلسه‌ی صمیمانه‌ای که ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه ۲۳ فروردین ماه سال جاری در محل دفتر برگزار می‌گردد و در آن پیرامون مسائل و دستور کار نود و نهمین کنفرانس بین‌المللی کار و همچنین چگونگی تعیین ترکیب هیأت نمایندگی کارفرمایی و تضمین حضور حداکثری نمایندگان تشکلهای کارفرمایی کشور [...] گفتگو و مشورت می‌گردد، حضور به هم رسانید».

برای آن گروه از خوانندگان این گزارش که این چالش حقوقی بر سر «حق آزادی انجمن» را دنبال نکرده‌اند، ذکر اجمالی جنبه‌ی بین‌المللی این ماجرا ضروری است.

در پی برگزاری «مجمع عمومی» روز چهارشنبه ۱۰ آبان ماه ۱۳۸۵ عده‌ای از تشکلهای کارفرمایی اطلاعیه‌ای در باره‌ی کانون عالی کارفرمایی صادر کردند که در روزنامه‌ی «دنیای اقتصاد» مورخ ۱۳ آذر ماه ۱۳۸۵ منتشر شد. در آن اطلاعیه، عملکرد هیأت مدیره در ۱۲ بند مورد انتقاد قرار گرفته بود. هیأت مدیره‌ی وقت کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران با استقبال از طرح علنی انتقادات با صدور بیانیه‌ای به تاریخ ۱۸ آذر ماه ۱۳۸۵ به تک انتقادهای مطرح شده پاسخ داد و متن بیانیه را در اختیار «دنیای اقتصاد» گذاشت و البته، آن نشریه نیز از چاپ آن خودداری کرد. گفتنی است متن کامل این بیانیه در چهارمین شماره‌ی «پیام کارفرمایان»، دی ماه ۱۳۸۵ منتشر شد و در شبکه اطلاع رسانی کارفرمایان ایران [شاکا] در دسترس است.

طرح علنی و بی‌رودرباستی چنین انتقادهایی زیر سقف کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران می‌توانست و می‌تواند به صفت‌بندی‌های سازنده منجر شود و جریان‌های رقیب با برنامه‌های متفاوت برای کسب اکثریت آراء تلاش کنند، به شرطی که این انتقادات در چارچوب اصول مطرح و پیگیری شوند. اما تمام آنچه را که «عده‌ای از تشکلهای کارفرمایی» در اطلاعیه خود مطرح کرده بودند، سر هم کردن دلایلی مجعول در توجیه

شماره: ۲۰۷۷
تاریخ: ۱۳۹۱/۲۱
پیوست: ۱

بسم تعالی

جمهوری اسلامی ایران
وزارت کار و امور اجتماعی

جناب آقای عطاردیان
دبیر کل محترم کانون عالی سابق انجمن های صنفی کارفرمایی ایران

با سلام

با تبریک فرا رسیدن سال نو و آرزوی شادکامی برای جنابعالی، به اطلاع می رساند:
وزارت کار و امور اجتماعی در راستای تلطیف و تقویت فضای گفتگو و تعامل سازنده با شرکای اجتماعی خود، حسب روال مرسوم بر برگزاری نشست های مشترک مشورتی، به منظور بحث و تبادل نظر پیرامون تمامی زمینه های مرتبط با جهان کار و خصوصاً مباحث مربوط به حقوق بنیادین کار عنایت داشته و این اهتمام در دولت حاضر عمق بیشتری نیز یافته است.
در همین راستا و به مناسبت برگزاری نود و نهمین کنفرانس بین المللی کار در خرداد ماه سال جاری در شهر زنو، دفتر امور بین الملل مایل است جنابعالی و مشاوران محترمان در جلسه صمیمانه ای که ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه ۲۳ فروردین ماه سال جاری در محل دفتر برگزار می گردد و در آن پیرامون مسائل و دستور کار نود و نهمین کنفرانس بین المللی کار و همچنین چگونگی تعیین ترکیب هیأت نمایندگی کارفرمایی و تضمین حضور حداکثری نمایندگی تشکلات های کارفرمایی کشور و همچنین سایر مباحث ضروری و مورد علاقه طرفین گفتگو و مشورت می گردد، حضور بهم رسانیده تا از نظرات ارزنده جنابعالی استفاده گردد.
قبلاً از توجهی که به این امر مبذول میفرمائید کمال امتنان را دارم.

حسین نوری
سرپرست دفتر امور بین الملل

ورود به دفتر دبیر خانه کانون عالی
شماره: ۱۳۹۱
تاریخ: ۱۳۹۱/۲/۲۱

تذکره: خدمات آزادی-فصل خدمات دولتی-وزارت کار و امور اجتماعی-کد پستی: ۱۲۵۷۹۹۲۸۶۱ - تلفن: ۶۶۵۸۰۰۳۱-۹ website: www.irimisa.ir
ح حاطی روبری حجاب روبری هنر لاله س فین نامه ۳ وزارت کار ط ۵ دفتر امور بین الملل

بسمه تعالی



جمهوری اسلامی ایران
وزارت کار و امور اجتماعی

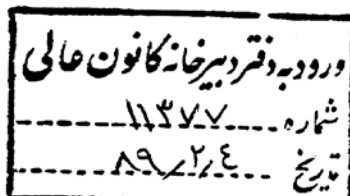
شماره: ۷۲۷۷
تاریخ: ۸۹/۱/۳
پیوست:

جناب آقای مهندس محمد عطار دیان
دبیر کل محترم کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران

سلام علیکم

احتراما، ضمن ابراز تشکر از اهتمام مشفقانه جنابعالی و اعضای محترم هیات مدیره آن کانون عالی برای دستیابی به یک توافق اصولی برای تعیین نماینده و مشاورین هیات کارفرمایی در نود و نهمین اجلاس کنفرانس بین المللی کار در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۵ در حضور جناب آقای دکتر شیخ الاسلامی وزیر محترم کار و امور اجتماعی ایران که به توافقات جامع تری در "نشست وفاق" منجر گردید، تبریک و تهنیت می گویم. بدیهی است در صورت استمرار بذل مساعی مشترک در آینده نزدیک شاهد بروز آثار ارزنده تری از گفتگوهای اجتماعی در سطح ملی خواهیم بود. لذا برای هرگونه بهره برداری لازم به پیوست متن اصل توافق نامه مزبور ایفاد می گردد.

با احترام مجدد - توکل حبیب زاده
قائم مقام وزیر در امور بین الملل



بسم تعالی

توافق نامه نمایندگان تشکل های کارفرمایی
در خصوص ترکیب گروه کارفرمایی در کنفرانس بین المللی کار

پیرو نشست های مشورتی جداگانه وزیر محترم کار امور اجتماعی با نمایندگان تشکل های کارفرمایی که در چارچوب ارتقاء گفتگوی اجتماعی دولت و شرکاء اجتماعی در روزهای ۲۳ و ۲۴ فروردین ماه ۱۳۸۹ صورت پذیرفت، ضمن تأکید بر زمینه های وفاق و لزوم حل و فصل زمینه های افتراق میان طرفهای ذینفع بخاطر مصالح ملی و منافع صنفی، ترکیب فراگیر گروه اعزامی کارفرمایان به کنفرانس نیز مورد بحث قرار گرفت.

در نشست ویژه ای که به ابتکار وزیر محترم کار و امور اجتماعی جناب آقای دکتر شیخ الاسلامی در مورخ ۲۵ فروردین ۸۹ و با حضور نمایندگان تشکل های کارفرمایی کشور آقایان مهندس خلیلی دبیر کل کانون عالی کارفرمایان ایران و مهندس عطاردیان دبیر کل کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران به همراه تعدادی از اعضاء هیأت مدیره آنان بطور مشترک و در فضای صمیمانه ای برگزار گردید طرفین توافق نمودند:

۱) ترکیب گروه اعزامی تشکل های کارفرمایی متضمن حضور حداکثری تشکل های کارفرمایی کشور باشد بر اساس این تصمیم مقرر گردید سه نفر از هر تشکل عالی کارفرمایی معرفی و نماینده کارفرمایان در کنفرانس از میان این شش نفر توسط نمایندگان منتخب کارفرمایان معین و به وزارت کار و امور اجتماعی معرفی گردد. در همین راستا کارفرمایان توافق نمودند گروه شش نفره اعزامی توسط هر دو تشکل عالی به وزارت کار و امور اجتماعی معرفی گردد.

۲) در این نشست همچنین نمایندگان منتخب تشکل ها برای انجام مذاکرات لازم جهت نیل به یک تصمیم واحد در خصوص ایجاد یک کانون عالی واحد کارفرمایی با حضور تمامی تشکل های موجود کارفرمایی کشور توافق نمودند.

۳) این توافقنامه نافی اعتبار مصوبات و توافقات بعمل آمده توسط تشکل های عالی کارفرمایی در سایر مجامع و مراجع که حسب مورد و بر اساس دعوت مراجع قانونی حاصل شده، نخواهد بود.

مهر کارفرمایان
مهر نمایندگان
مهر وزیر
۱۳۸۹/۱/۲۵
۱۳۸۹/۱/۲۵
۱۳۸۹/۱/۲۵



کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران
نشریه خبری، تحلیلی، آموزشی
شماره بیست و دوم، تیر ماه ۱۳۸۹
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

مدیر مسئول: بیژن سعیدآبادی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری
www.payamekarfarmayan.com
payam@payamekarfarmayan.com
www.icea.ir

نشانی دبیرخانه کانون عالی:
تهران، خیابان حافظ، خیابان رودسر، شماره ۲۹،
طبقه دوم کدپستی ۱۵۹۳۶-۷۹۴۱۵
تلفن: ۸۸۹۴۰۵۱۲-۸۸۹۴۰۲۱۱
فاکس: ۸۸۹۴۴۵۶۴
صندوق پستی: ۳۶۴۶-۱۵۸۷۵
تحریریه، اشتراک، آگهی:
۸۸۹۰۷۴۵۱-۸۸۹۱۸۳۱۵
۸۸۹۱۱۰۱۷-۸۸۹۱۱۰۱۸
صندوق پستی: ۸۹۳-۱۴۳۳۵
چاپ و صحافی: گروه عماد
تلفن: ۸۸۸۰۸۵۴۴

فهرست مطالب

- سندهای تاریخی یک تجربه‌ی موفق: دفاع اصولی از حق آزادی انجمن ۱
- پیش‌درآمد: قلع و قمع ۲
- رأی دیوان عدالت اداری: ثبت حق آزادی انجمن در عرصه حقوقی ۱۱
- اتهام علیه اشخاص حقیقی: جعل عنوان، نشر اکاذیب و تشویش افکار عمومی ۱۹
- حکم شعبه ۸۶: یک سند آموزشی در مورد «حق آزادی انجمن» ۲۴
- «نشست وفاق»: آغاز یک دوره‌ی جدید ۴۰